

هوالمبشرالعليم

سبحانك يا مالك العالم والظاهر بالاسم الاعظم كيف
اذكرك بعد ايقاني ان الذكر خلق من اثر قلمك
الاعلى وكيف لا اذكرك بعد ما اجتذبتني نداءك
الاحلى واخذني سكر كوثر محبتك يا مالك الاسماء
وفاطر السماء لك الحمد يا الهى بما عرفتنى مظهر
امرك فى ايامك وسقيتنى كوثر العرفان بيد عطائك
اى رب اسئلك بسلطانك وعظمتك بان تقدر لا حبتك
خير كل عالم من عوالمك ثم احفظهم بجودك وقدرتك انك
انت الذى لا يعزب عن علمك من شئى تفعل ما تشاء
بسلطانك وتحكم ما تريد بقدرتك انك انت العليم
الحكيم

پیام بیت العدل عظیم الهی
خطاب

به اجبای عزیز کشور مقدس ایران

مؤرخ هفتم شهر القول ۱۳۳

۲ شهر القول ۱۳۳

برادران و خواهران روحانی در
کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

ای بنندگان جانانشان درگاه الهی

چندی است که هر روز از آن کشور جهان هسته در یک بار
میرسد و نسیم عنایتی میوزد که شمیم مشک نیزش بشریبت آن یاد
عزیز است و موند آن که الحمد لله در جمع خویش اخیراً شوری بکنیم
و طرهای بدیعی رخساره و علم مجاهدتی افزاخته که بنور چند صبا
بگذشته اثراتی برجای گذاشته و جالب تأییداتی گشته که خود

اعظم مشوق آن دوستان قدیم در خدمت به امر الله و عبودیت
 آستان الهی است. لهذا آرزوی دل جان این مشتاقان چنانست
 که این حرکت بدیعه شوقیه که در این ایام در انجمن یاران در ایران
 مشهور افتاد و تعمیم پذیرد و تقویت یابد به نحویکه نفسی نماند مگر آنکه در
 سبیل انتشار کلمه الله حرکتی نماید و در تحقق هدف مقصودی در غل
 هدایت محافل روحانیه قدمی گذارد و دست بجاری زند و طریق برسد
 که موافق با امکانات او مقتضیات زمان مکان باشد.
 قلم اعلی احدی از بنندگان باد فایش را مستثنی ننموده و مخاطبان
 میفرماید:

« بگواید دوستان امروز باید کل شبانی از حرارت
 محبت الهی مشتعل باشیم که اثر حرارت آن در جمیع
 رگها و اعضا و اجزای شما ظاهر شود تا جمیع اهل
 عالم از این حرارت مشتعل شوند و باقی مقصود توجه
 نمایند و کل را وصیت مینمایم عمل ما از راه
 فی کتاب باید جمیع بطراز اخلاق الهیه
 مزین شوند به آنچه سبب ارتقا و سعادت است»

نفس است عامل کردند . . . اتقی

بی گروشتعال نارحبه الله خواهیم باید به تلاوت آیات هفتجا
و مطالعه آثار پروریم و به برکت کلمه الله که چون باران معرفت از
سحاب رحمت الهیه فیضان فرموده نهال قلب و روح را تر و تازه
کنیم و از نفعات وحی زنده شویم اینست که قبلاً مکرراً از آن
عزیزان رجا کردید که هر یک چه انفراداً و چه جمعا از سر چشمه بخش
معارف روحانی هر روز بنوشند و بر حرفان ایقان خویش بنهند
و آنچه را در کتاب اقدس از مساهستیت نازل گردیده معرفی دارند
و بعد خدا وفا کنند قول الاصلی :

« قتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء ان الذی

لم یتل لم یوف بعد الله و میشتاقه »

ای عزیزان حق حال که بین دولت ایمان کلید گنج سعادت
برایگان داریم باید بشکر این نعمت گزیریم یعنی لسانی درخشان یاست
و تعالیم و وصایای مبارکه را آثار نجاح عالم و ترقی و رفاه بنی آدم
کنیم نه آنکه آن ثروت بیکران را عاقل و باطل در غزینة دل سندان
نماییم و مستمندان غمای روحانی را محروم و در مانده گذاریم لکن این

امراته و اتشاکلمه الله از عظم فرانس ابل بهامن دون استثناء است
هر کس حتی طفل صغیر یا پیر زینگی نیز میستواند قدمی در راه تبلیغ بردارد
و خدمتی را تعهد نماید بارها به تجربه رسیده که بساط طفلان خرد سالی که
تربیت روحانی یافته و درس ادب و اخلاق آموخته اند به جذب
و تعلیب معلم و دوستان و بستان و والدین ایشان قادر گشته اند
و چه بسا جوانان مذهب نیک خصالی که بکلیه ایمان و تقدیس آورشته
و از شئون بومی و ادا شده اند در بدایت بسالان سرگردان خویش
که امیر نفس یا طمعه دام بر نو هوسند توفیق یافته اند و از آن بالاتر
با سبکباری و اوقات فراغتی که در هنگام تحصیل یا بعد از اتمام آن
دارند بسخنانات عالیله با بهره ای که بسبیل اجراء ابداف نقشه ای مجمل
روحانیته پرورداخته و جامعه ای را سر بلند ساخته اند مفتود و نیست که
بریک از دوستان رجالات و نسائاً در هر مقام و بهر سن و سال
باید در این سبیل عملی تمیق نمایند و راه خدمتی یا بند بماند ای تیرا شنند
و از کسی نهرسند و نگویند که ابل استعداد مفتود است و کوشش شنند
مردود تا خود ندانی بر نیادیم سح قبول از کجا باسیم چراغ بی نور
در ظلمت دیچو چگونه جاذب پروانه مجور گردد باید اول خود فرزند

تا از غنیمت کاشانه ای ببالد پر پروانه ای پدیدار شود پس باید
 شسواران میدان وفا باشیم و در میدان شجاعت شمشیر حکمت و بیان
 را از نیام ترودید و تامل بر آوریم و بر امدادات جنود ملا اعلیٰ بر صف
 عالم زیم و از هیچ مشکلی که لابد در مقابل آید آزاده و خائف نگردیم
 شمع ضعیف است که بر بادی افسرده و خاموش شود باید کوره
 نازد تا با باد هلت اشغال شود و فلز قلوب جاوده را ذوب نماید
 ترس باید از این باشد که مبادا از تبلیغ امر الله غفلت کنیم باید انداز
 مرکز میثاق را همواره بیاد آوریم که میفرماید :

« اگر تبلیغ تاخیر افتد بجای تائید منقطع گردد »

زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ اجزای الهی

تکمیل یابند . در هر صورت باید تبلیغ نمود ولی

بحکمت . اگر چهار امکان نه خیار به تربیت ترس

پروازند و بسبب حصول روح و روحان در عالم انسان

شوند . »

مقصود از تبلیغ امر بشارت بظهور ملکوت الهی است اختلاف طلب

است رفع تعصبات جاهلانه است ایجاد سرور و سعادت است

القاء سکون و همسنان در ضمیر و وجدان نفوس است پرده دری
مجادله در کلام و مشاجره و غلبه جوئی در بیان و مناظراتی که از حرف
ابتدا و بحرف انتها یابد و باعث حزن شود و استیجاش نفوس را شدیدتر

نماید شأن اجتناب بوده و نیست قلم اعلیٰ میفرماید :

« طوبی از برای نفسی که ناس را از دریای بیان

رحمن بنوشاند من دون آنکه بکلمه ای تکلم نماید که

سبب اعراض و اعتراض شود . »

انسان باید بکمال خلوص نسبت به نفوس محبت قلبی داشته باشد

و از روی محبت القاب کلمه نماید نه جهت رفع تکلیف . حتی باید در حق

نفوس غافله و طالبان حقیقت دعا و مناجات کرد و از درگاه کبریا جا

نمود تا فضلش را شامل گرداند و قلوب را از زنگار او بام و غبار حسد

پاک فرماید و لایق قبول انوارش حقیقت سازد . اینست شرط موفقیت

و اینست لازمه قیام در سبیل انبیا و ائمه حضرت احدیت .

باری آنچه در این آیام باید سرلوحه اقدامات یاران ایران باشد

چنین است که با قیام عاشقانه در راه تبلیغ و مهاجرت جمیع ابدان و خلده

مخصوصاً تائیس محافل روحانیه را در سراسر آن کشور نیک اختر هم چو زود

بانجام رسانند که همه قده اجزاء حیرت‌آوران در مهاجرت خارج توئیقات
 غلیظه یافته و اکثری از ابداف خویش را تحقق بخشیده معدودی را که
 باقیانده و یا ابداف جدیده را نیز باقیام نفوسی که حاضر و آماده اند
 البته مجری خواهند داشت اما این مجهودات بلیغه در معادین خارج
 نباید بقبیت ابداف داخله باشد بلکه برعکس ایران که موطن جمال الهی
 است و منظور نظر بهائیان در سرسره دنیا باید از بهر حثیت ترقی نماید
 بایران ایرانند که باید در تقدم و تعالی آن سرزمین مقدم شتقدم باشند
 و مواهبی را که بنسایت الهی یافته و برکتی را که در کسب و کار حاصل کرده اند
 از جمله صرف آبادی و آبادانی آن کشور رو چهره فرمایند اگر سایرین
 منصرف با تعلق شخصی که گشته مستلزم اقامت و تجارت در نقاط
 کثیره اجمعت است مشغولند اهل بهاء که بمبادا اعدال متمسک و
 در حکم خدمت به خلق علی الخصوص به موطنان جمال مبارک اند باید
 به نقاط مجوره که احتیاج مردم شدید است توجه فرمایند و حتی القوه
 با محبت خالص و رعایت کامل و استقامت تمام خدمت پردازند
 و بخار به وفا معا به کنند بخو که وجودشان در هر نقطه اسباب
 ظهور برکات مادیه و معنویه گردد . اگر چنین کرد چو سنی نگنجد

که محبوب القلوب امانی شوند و بظاهر ظاهر محترم و آسوده خاطر
 گردند . اگر اجناس عزیز بقصد خدمت به خلق بازاد استقامت
 و سرمایه محبت و سلاح انتطاع و شجاعت در عین حکمت و استقامت
 به اطراف حرکت و به نقاط لازمه مهاجرت فرمایند البته البته
 هر مانع و رادعی از پیش راهشان بر خیزد و دیگر تفتین مفید و آگاه
 معاندین که عرب ضعیفان است از کار بیفتد بلکه بر عکس نتیجه بخشد
 و خلافت امر آنکه که مقلب قلوب و وسیله ظهور کمالات انسانی
 و بروز شوخات رحمانی است بر کل ثابت و مبرهن شود و نفوس
 غیر بیانی و لوموسن بخردند خاضع شوند و ستایش بهایمان نمایند
 حتی در هنگام ضرورت حمایت یاران کنند و مقاومت اهل عدوان
 نمایند ولیکن قیامی عام باید تا چنانکه باید و شاید نتیجه مطلوب
 حاصل شود بجهت انشاء انصار و یاران و محافل روحانیه و حضرت
 مشاورین و معاونین و مساعد نشان کل در این ایام تقوا متعاقباً
 عظیم پرداخته و در این مجاهدت ظهیر و حسین یکدیگر گشته اند شکی
 نبوده و نیست که این اتفاق و اتحاد و این همت والا جاذب
 فیوضات ملاحظه می شود و طلیعه قنوجات با بهره آینده گردد از دست

شدید این بندگان آستان چنانست که یاران عزیز ایران چون
بحر رحمت بچو شدند و چون سحاب عنایت بجزر شدند تا پرتو نیر افروز
در و شاق همه شتاق افتد و کواکب آماشان از افق سعادت
ابدی بدرخشند و جمیع عاقبت بملک عاقبت در آیند و برسند
عزت موعود نشینند .

با تقدیم تحیات بهیمة
بیت العدل اعظم

پیام هیئت مشاورین قاره‌ای در غرب آسیا

صلای عام

هیئت العدل اعظم با صدور پیام منیع مورخ ۷ شهرالقول ۱۳۳۱ هجری خطاب به "برادران و خواهران عزیز روحانی در کشور مقدس ایران" برای نخستین بار فرد فرد پیاران آلهی رادرمهد امرالله مستقیماً مخاطب ساخته، با تحسین و تمجید از اقدامات مجدانه محافل مقدسه روحانیه و افراد احباب اطراف و اکناف ایران به تشویق و هدایت جامعه باران در کشور مقدس ایران پرداخته اند و راه و رمز موفقیت نهائی را به بهترین وجه ارائه فرموده اند و در این صلاهی عام از یک یک افراد جامعه دعوت نموده اند که در این قیام و اقدام شریک و سهیم گردند

● اهمیت تشویق و یاداش

گرچه مساعی و مجهودات مزدوله در مقام مقایسه با اهداف و وظائف مقرر در نقشه منعمه پنجساله ناقابل و ناتمام است اما همین جنبش و حرکت ناچیز چون در طریق صحیح معمول گشته مورد توجه مرکز جهانی امرالله قرار گرفته و بنظر عنایت و احسان در آن نگریسته اند و این خود اولین درسی است که ما از این پیام می آموزیم یعنی بجای خرد گیری و انتقاد و عیب جوئی که نتیجه اش پاس و حرمان و مصیبت و طغیان است باید همواره به کشف و ملاحظه محاسن و موفقیت ها پرداخت و حتی اگر کارهای خوب و صحیح بظاهر کوچک و بی اهمیت جلوه میکند چون بالقوه تنه راه نجات و پیشرفت قطعی و واقعی است باید آنها را مورد تشویق و تحسین قرار داد و تقویت کرد تا مورث شور و شوق و دلگرمی و امید واری گردد.

چه در تعلیم و تربیت اطفال و چه در برخورد با نوجوانان و جوانان و چه در حل مسائل خانوادگی و همچنین در اظهار نظر درباره خدمات روحانی و ارتباط با تشکیلات و موسسات امری باید باین اصل مهم و رکن اساسی متذکر و متوجه بود که همواره باید ملاحظه اعمال و اقدامات پسندیده و تشویق و ترغیب و تقویت آنها مقدم بر هرگونه عیب جوئی و خرد گیری و سرزنش و ملامت باشد.

● برنامه کار

این تشویق و ترغیب موقعی بیشتر مفید و موثر واقع میگردد که همراه با هدایا است و راهنمایی و تعلیمات لازم جهت بهیشترفت و موفقیت باشد لذا ایهام منیع معبد اهلن مشتمل بر نکات و اصول و مطالبی است که برای حصول روحانیت و موفقیت در امر تبلیغ و تعلق به اخلاق و حیات بهائی ضروری است و فی الحقیقه در رسد هائی است که باید آموخته شود و راه حلها گوی است که باید بدون فوت وقت و در زمانیت و لذتجویی و بهیشتی و همت به موقع اجراء آید . رونوس این مطالب در جدول مخصوصی خلاصه شده است تا به سهولت مورد مراجعه قرار گیرد و راهنمایی برای طرح و تنظیم نقشه های فردی و برنامه های اجرایی از طرف موسسات مختلفه امری باشد .

● تعلیمات مندج در سهام مورخ ۷ شهر القول ۱۳۳ بدیع

- ۱- لزوم تصمیم خد مات تبلیغی و بهیشتی و بهیشتی بنحوی که فردی از احیای آلهی باقی نماند که قائم بر خد متی و اجرای هد فی در این سهیل نباشد .
- ۲- تلاوت آیات و مناجات و مطالبه آقا زاکیه به بطور مرتب و روزانه جهت کسب روحانیت و جلب فیوضات و تقیدات و از بهار معلومات و معارف امری .
- ۳- مشارکت نوزبانیان و جوانان و سالخوردهگان و کلبه نفوسکه بنحوی از انحاء خود را مضاف از امر تبلیغ مید انستند و در نشر و نفعات الله
- ۴- تفهیم معنی و مقصود از تبلیغ امر الله ؛ بشارت بظهور ملکوت بهیشتی ، افتلاف قلوب ، رفیع تمعینات جاهلان ، ایجاد سرور و مسرات و القاء سکون و اطمینان در ضمیر و وجود ان نفوس
- ۵- تحذیر از " بزرگه در ری و محاربه در کلام و مشاجره و ظلمه جوفی در زبان و مناظراتی که از حرف ایستد او به حرف انتهی باید و بهیشت حزن شوک و استیحا نش نفوس را نقد بد تر نشاید .
- ۶- القاء کلمة الله باید از روی محبت و مهربانیت باشد نه جهت رفیع تکلیف
- ۷- شروط موفقیت کامل قیام عام و حکیمانانه است
- ۸- تفهیم معنای واقعی مراعات حکمت در تبلیغ امر الله
- ۹- تقدیم و اولویت تکمیل اهداف در اخله نسبت به اهداف و خد ماتی که در ظل نقشه های داخلی سایر ممالک است .
- لزوم بهیشتقدم شدن احیاء در توسعه آباء ی و آباء انی کشور مقصد سن ایران مخصوصا در نقاط و مناطقی که بیشتر محروم مانده است .
- ۱- اهمیت تمسک به اعتدال در کسب ثروت و تأمین وسائل راحت و لزوم فدکاری برای ترقی و آباء انی کشور عزیز ایران .
- ۱۲- قیام افراد باران و محافل روحانیه و مشاورین و مساعدین با وحدت و اتفاق عام

بطور خلاصه بیت العدل اعظم الهی از فرد فرد احبای الهی دعوت کرده اند که بدون استثناء هر یک شخصاً سهم و وظیفه ای در تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله برعهده گیرند و با نظم و ترتیب با اجرای آن پردازند .

قدم اول در این راه حصول روحانیت و ایجاد شعله و حرارت محبت الهی در دل و جان است تا نفس هر فرد بهائی جالب و جاذب قلوب و ورونزد یک گردد و این مقصود حاصل نمیکرد مگر با تلاوت دعا و مناجات و زیارت الواح و آثار و مطالعه کتب امری بطور مرتب و روزانه قدم دوم فهمیدن معنی واقعی تبلیغ و نشر نفعات الله و احتراز از اقدامات و رفتاری است که نتیجه مطلوب را بدست نخواهد داد . در این مورد بیت العدل اعظم مقصود از تبلیغ امرالله را به اشارت به ظهور ملکوت الهی و ایجاد وحدت و یگانگی در قلوب مردم و برطرف ساختن تعصبات جاهلانه و ایجاد سرور و سعادت و سکون و اطمینان در ضمیر و وجود آن نفوس شمرده و باران الهی را از پرده دری و مجادله در کلام و مشاجره و ظلمه جوئی و مناظراتی که از حرف ابتدا و به حرف انتها میباید باعث حزن میشود و استیحا ش نفوس راشد بد ترمیکند بر حذر داشته اند .

قدم سوم کسب خلوص نیت و محبت قلبی و احساس مسئولیت وجدانی است یعنی از روی محبت و صمیمیت واقعی و از راه دلسوزی حقیقی ابلاغ کلمه شود نه جهت رفع تکلیف و این تبلیغ و راهنمایی همراه با دعا و مناجات و بدون توجه به نحوه برخورد و رفتار نفوس غافلانه باشد . پس تبلیغ کردن اقدامی است که در نهایت محبت و همراه با دعا و مناجات و طلب سبب تأیید انجام میگردد و سبب الفت و محبت و مسرت خاطر طرفین میگردد .

قدم چهارم قیام و اقدام است یعنی توجه داشتن باین نکته دقیقه که حرکت و کوشش ما سبب بروز ظهور استعداد و علاقه و اشتیاق در متعربان حقیقت و طالبان نجس است و دستگیری میگردد . بنابراین نباید بانتظار زمانیم تا تشنگان سلسبیل معارف الهیه بمانجا رجوع کنند و تقاضای راهنمایی و کمک نمایند بلکه برعکس دعوت و تشویق و ترغیب ما باید سبب تمایل و ذوق و شوق دیگران به کسب اطلاعات و موجب هدایتشان گردد . اینست کلمه بیت العدل اعظم میفرمایند :

"نگوئید که اهل استعداد نفقود است و گوش شنوای مسدود تا خورد"

ندانی برنیاوریم سمع قبول از کجا یابیم ."

در این اقدامات نیت و هدف واقعی باید سعی در تقدم و تعالی و عسرا ن و آبادانی کشور مقدس ایران و خدمت به خلق علی الخصوص هموطنان جمال مبارک باشد تا وجود هر یک از احبای الهی در هر نقطه ای اسباب ظهور برکات مادی و معنوی و محبت و روحانیت و یگانگی گردد .

● شرایط و ضوابط لازم

بیت العدل اعظم الهی برای موفقیت در حصول این مقاصد شرایط و ضوابطی

راتعمین فرموده اند که باید و قیاماً مورد توجه قرار گیرد .

اول قیام عام و حکیمانه است . در پیام نوروز ۳۱ میفرمایند :
" آنچه باید سرلوحه اقدامات آن عزیزان قرار گیرد قیامی عام و
حکیمانه و منظم در تبلیغ امر اعظم است . یعنی هر فرد از افراد
احبا هر روز باید در فکراین باشد که چگونه هموطنان خویش را از
اصول و مبادی امرنازنین باخبر سازد . "

در پایان پیام هفتم شهرالقول ۱۳۳ میفرمایند :

" ولیکن قیامی عام باید تا چنانچه باید و شاید نتیجه مطلوب
حاصل شود . یعنی باید همه افراد بدون استثناء در نشیمن
نجات الله بطور جدی و مشخص و مرتب مشارکت نمایند و هیچکس
خود را بهیچ علتی معاف نداند و در این امر تعلل و تاخیر روا
ندارد تا نتیجه مطلوب باید گردد . "

دوم . مراعات حکمت است . حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" مقصود از حکمت اینست که انسان باید بنوع موافقی که در قلوب
تاثیر نماید و نفوس ادراک کنند تبلیغ امرالله نمود و نماید نه اینکه
سکون و سکوت یافت . " و مخصوصاً " توضیح میدهند که :
" آنچه در الواح آلهی ذکر حکمت است مقصد اینست که در امور
اتقان شود و در هر امری بوساطت کامله و مناسب زمان و مکان
تشبث شود تا مریض معالجه بقاعده گردد و طلیل بد او اینست
موافق شود نه اینکه بکلی از معالجه و مداوا دست کشیده شود
هیکل امکان مریض است و جسم کیهان طلیل اگر طیب و پرستار
بکلی ترک علاج و درمان نماید بکلی مهمل و معطل گردد بلکه
بمرض موت مبتلا شود . "

سوم . اتحاد و اتفاق عمومی باران و موسسات امریه در اجرای این امر است

بیت العدل اعظم آلهی در پایان پیام مورخ ۷ شهرالقول ۱۳۳ میفرمایند :

" بحمد الله افراد باران و محافل روحانیه و حضرات مشاورین
و معاونین و مساعدین کل در این ایام متحد امتفاقی بقیامی عظیم
پرداخته و در این مجاهدت ظهور معین بکند بگرگشته اند شکی
نبوده و نیست که این اتفاق و اتحاد و این همت والا جاز ب
فیوضات ملاه اعلی شود و طلبیمه فتوحات باهره آینده گردد . "

چهارم . استقامت و قبول زحمت و نیت خدمت است . بیت العدل

اعظم میفرمایند :

" اگر احبا عزیز بقصد خدمت به خلق با زاد استقامت و سرمایه

محمیت و صلاح انقطاع و شجاعت در رهین حکمت و استقامت است
اطراف حرکت و به نقاظ لازمه مهاجرت فرمایند البته هر
مانع و زاده می از پیش راهشان برخیزد

زیر امیر ما نیست :

" ایران برای اهل بهاء سوزین مقدس است که باید در اشرف
قوام و همت یاران آباد و سرسبز و خرم و موم هموطنان جمال مبارک
به مهر و محبت و هدایت یاران خوشبختی واقعی و رستگاری حقیقی
پایند . "

همچنانکه بیت المدال اعظم در بهاء م ۲ آگست ۱۹۷۶ م فرموده اند :

" جد و جهد و نزم جزم احیاء را این سهیل (یعنی تحقق اهداف
نقشه) باید با ضمایف مضاعف صورت بند یعنی هر یک از مسا
باید آنچه را تا بحال برای امر انجام میداده ام چندین برابر
بیشتر کنیم . "

و در بهاء م ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹ م میفرمایند :

" اکنون بر هر فردی از افراد احیان فرض و واجب است که نقشه
تبلین می مشخص برای خویش طرح نماید و در اجرای آن بکوشد
و نیز صفت ما نیست :

" اگمال و اتنام این نقشه منوط و موکول بسمعی و کوشش موفـور
در تهیه برنامه صحیح و اقدامات مجدانه و تقویت خدمات
تبلینی است . "

و در بهاء م ص ۱۸ ای ۱۹۷۶ م لگروی و امید واری می دهند و میفرمایند :

" اصل اقدام به اجرا اهداف تبلینی فردی است و لو که بید است
مشکل باشد بطئی به شرف نماید متدرجا در اثره این
اجزایات وسیع تر خواهد شد و جایز است تا بعد از آن همه خواهد
گردید . "

پس از این بر هر یک از ما فرض و واجب است که بهاء م ص ۷ شهر القول ۱۳۳۲ م بتوان
مدل اعظم الهی را مکرر زیارت کنیم و حتی تعلیم بگیریم و تحصیل نماییم تا تعلیمات و نکات
مندرج در آن فی الواقع سرکسوزن همین ما گرد و بسبب اطمینان خاطر و شور و شوق و حرارت
و شجاعت و سعی و کوشش خستگی ناپذیر بشود . بدین ترتیب با فهمیدن این بهاء م و عمل کردن
به راهنمایی های آن خلق جدید خواهیم یافت و برای خود و کشور و مقدر ایران و هموطنان
منشاء خیر و صلاح و هدایت و عزت ابد به خواهیم گفت .

این بیان از بهاء م معبد اعلیٰ ص ۱۳۱ روز ۱۳۱ راسک الختام این کلام قمرار

میدهم و در انتظار قیام عام و حکیمانۀ باران هستیم .
" ای باران میدان مجاهدت مفتوح است و تا شهید جنود ملاء اعلیٰ
محتوم و سپاهیان ملکوت مستعد کفاح و هجوم . نظریه ضعف
و ناتوانی خود و شدت موانع متقابلۀ مفرمائید . . . به وعود مصرحہ
در آیات آئینہ مطمئن باشید و نظریہ الطاف جمال ابہی فرمائید
کہ بصریح بیانات مبارکہ عنایاتش قطرہ راموج در یاد دہد و ذرہ را
اوج شریا بخشد . موزضعیف را جلال سلیمانی عطا فرماید و بیشہ
ضعیف را عقاب آسمانی سازد . ہمت کنید قیام فرمائید کہ دور -
دور شماست و شاہد مقصود در انتظار شما و طوبی للفائزین "

● ہیئت مشاورین قارہ ای در غرب آسیا

از دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی

رقیمہ کریمہ ذیل از دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی
خطاب به یکی از احباء در جواب سئوال ایشان مرقوم شده
و بدستور محفل مقدس روحانی ملی جهت اطلاع احباء درج
میگردد *

بیت العدل اعظم

دارالانشاء

مورخ ۷ جولای ۱۹۷۶

دوست عزیزبھائی بیت العدل اعظم مکتسوب
مورخ ۱۵ ماہ می شمارا کہ حاوی نظرات تان در مورد خالت
احباء رامورسیاسیہ ود رصورت لزوم شرکت در فعالیتھائی
کہ بمنظور احفاء ظلم و بی عدالتی است در ریافت نمودند .
خلوص و صمیمیتی کہ سبب نگارش این نامہ بودہ و طی
آن احساسات و نظریات خود را آزادانه و خالی از شائبہ
بیان داشته اید تاثیر عمیقی در بیت العدل اعظم نموده
است . مقرر فرمودند نظرات آن معہد اعلی را در این زمینہ
بشما ابلاغ کنیم .

سئوال کردہ اید آیا سکوت بھائیان سبب نخواہد
شد کہ ہرج و مرج و بی نظمی جہان واستخفاف ابناء انسان
ہموارہ در کرہ ارض همچنان پایدار بمانند و اینکه آیا اجتناب
از مداخلہ در امورسیاسیہ باعث تضعیف مجاہدان طریق
آزادی در عالم نخواہد گشت ؟ چون نظریاوضاع واحسوال
اجتماع خود بیافکنیم مشاہدہ میکنیم کہ عالم در چنگسال
اسقام وآلام کثیرہ گرفتارود رزیرباررنج والم باآہ وانہیں

د سازاست . حضرت بهاء الله بنفسه المبهين على-
 العالمين شهادت میدهند که این رنج والم بعلمت آن
 است که هیکل عالم با آنکه "خلق صحیحا کاملا فاعترتسه-
 الامراض بالاسباب المختلفه المغایره " و "اشدت مرضه
 بما وقع تحت تصرف اطباء غیر حاذقه الذین ركبوا مطیه الهوی
 وکانوا من الهائمین " درهمین فقره بیانات حضرت بهاء الله
 بدین نتیجه میرسند که "دریاق اعظم" منوط به توجه
 و تسلیم در برابر "طیب حاذق کامل" مویذ است " "هَذَا
 لَهُو الْحَقُّ وَمَا بَعْدَهُ الْاَضْلَالُ الْمَبِينُ" این طیب
 الهی در آثار خویش بما اطمینان می بخشد که خداوند زانا
 و بینا است و مشیت فائقه اش بر این تعلق گرفته که ملکوت
 جاودانی خود را در این یوم در بین ابنا انسان استقرار
 بخشد . حضرت بهاء الله میفرمایند :

"اکنون که ارض حامله مشهود است عنقریب

اشمار طیبه مکنونه ظاهر گردد و اشجار

لا یقه ثمره برآید و ازها متنوعه لطیفه بشکفت

و برکات سماویه برسد . " (ترجمه)

بمنظور تحقق این مقصد جلیل خداوند مجید

از طریق د و ظهور متوالی پیامی جدید و روحی بدیع در این

روز بهار زانی فرمود ولی هیئات که کافه عالم انسان اعراض

نمودند و ادامه طریق ضلالت و عناد را ترجیح دادند .

حضرت بهاء الله در تشریح و در نمائی از وضع

جهان چنین میفرمایند :

"عنقریب نظم موجود منظوی گردد و نظمی

بدیع بجای آن استقرار یابد " (ترجمه) . . .

وقتی برای درك بیشتر این اندازات و اینکه احسا

"نظم موجود" محتوم است بد یگر آثار مبارکه مراجعه میکنیم

و بیانات و نبوات در یگری زیارت مینمائیم چنانکه میفرمایند :

"هنگام فنای عالم و اهل آن رسیده" (ترجمه)

"عنقریب انقلاب کبیرا کبر ظاهرا هر گردد" (ترجمه)

"و ساعت موعود قریب الوقوع است روزی که

امواج امتحانات شدید از فوق راس و تحت

اقدام شما بگذرد وند ابر آورد که (بچشید

آنچه را که در ستهای شما مرتکب شده

است * (ترجمه)

* عنقریب سیاط قهرآلہی بر شما فرود

آید و خاکستر جحیم در برگیرد . *

در این وقت است * اذا تم المیقات یظهر

بغیة ما یرتعد به فرائض العالم . *

و

* عنقریب نار تمدن مدن را به خاکستر

تبدیل کند . *

لسان عظمت بدین بیان ناطق گردد که :

* ان الملکوت لله المقتدر المحمود * (ترجمه)

* عنقریب قهر و غضب آلہی بر آنان مستولی

گردد و هو الغالب المقتدر القدير . کسرہ

ارض از لوث فساد آنان تطہیر گردد و یقربان

و خادمان در گاهش تفویض گردد . * (ترجمه)

بیانات فوق مبین این حقیقت است که بد قدرت

آلہی در کار است تا نوایای مقدسہ اش را برای نوع بشر در این

عصر نورانی تحقق بخشد . حضرت ولی مقدر امرالله در این بارہ

به بیانی اطمینان بخش میفرماید :

* مشیت پروردگار جز این نیست کہ بطریق

و وسائلی کہ تنہا در قبضہ قدرت اوست

و عوامی کہ سطوت و اہمیت آن بر ہمگان

ستوراست عصر نہی و ورا عظم آلہی را در

صحنہ عالم انسانی کہ طی در و رانی طنولانی

معرض لطمات قرار گرفته و دستخوش

تجزی و انشقاق بودہ است مستقر فرماید

وضع کنونی عالم و حتی آیندہ نزد یک آن

مبہم و مظلم است و بنحو یا اس آوری نامعلوم

و تاریک و لکن بہر حال آیندہ ہمید واضح

و روشن است و لمعان آن بہ شدتی است

کہ هیچ بصری قادر بہ درک تلالو آن نیست * (ترجمه)

حضرت ولی امرالله در آثار خویش جنگ جهانی

اول رابعنوان " نخستین مرحله انقلابات و تشنجات و سیمی که مدتها قبل توسط حضرت بهاء الله پیش بینی شده بسود توصیف میفرمایند . هر چند جنگ مذکور بظاهریا انعقدار معاهده صلح خاتمه یافت ولی بفرموده حضرت عبد البهیا " روسا و افراد ملل لا ینقطع فریاد صلح صلح میزنند و حال آنکه هنوز ناراضغینه و بغضاد رصد ورشان شعله وراست " . (ترجمه)
 و سپس بسال ۱۹۲۰ میلادی حضرت عبد البهیا فرمودند :

" این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفانیا بد بلکه روز بروز سخت تر و بد گردد " و نیز فرمودند

" در مستقبل حریبی شدید تریقینا " واقع گردد "

وقتی جنگ جهانی بسال ۱۹۳۹ میلادی شروع شد حضرت ولی امرالله آنرا " طوفانی که در رشدت بیسابقه " است و " تند باد مهیب و عظیم آلهی که بد ورتترین و معمورترین اقالیم کره ارض حمله وراست " نامیدند . پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیدایش سازمان ملل متحد حضرت ولی امرالله بسال ۱۹۴۸ مرقوم فرمودند که هنوز باید در انتظار " انقلابات و تشنجاتی شدید تر بود و به تصادم دیگری " اشاره فرمودند که مقدراست " افق بین المللی راتیره و تارسازد " و بالاخره در آخرین پیام رضوان ۱۹۵۷ ضمن تجزیه و تحلیل اوضاع و احوال کره ارض در نیاربابانبات مند رجه در آثار این آئیم برای نسلهای آینده انداز فرمودند . فی الحقیقه وقتسی بگذشته نه چند ان در نظر افکنیم انقلابات و اغتشاشاتی که بنحوی روز افزون اجتماع رنجور را معرض هجوم قرار داده و - ضربات و صدماتی که کالبد نظم در حال احتضار همواره بد انها مبتلا بوده مرور میکنیم از مشاهده تضاد شدید بشگفت می آئیم از یک سو شواهدی بسیار دلالت بر توسعه منظم و پیشرفت در ائمی عوامل و ارکان نظامات اداری دارد که بشرمد نیست مترقی جهانی و از طرف دیگر علائم شوم تضاد و تصادمات شدید سیاسی هیجانانگیز اجتماعی - خصومت نژادی - منازعات طبقاتی - فساد اخلاق و لامذهبی که بنحوی قاطع حکایت از تباهی و هوسیدگی موسسات نظمی و رشکسته میکند مشهود

است .

در مقال این ابتلاغات هائنه واسقام ولام واره در رنگنای این عصر و محنت زه و مقتضی است که در باره نیواتسی که قریب به هفتاد سنه قبل شایع این آئین نازنین بهمان فرود و همچنین اندازات شدیدی که مبین مصون از خطای آثار مبارکش اعلام نموده بینه پیشیم که کل حاکی از انقلااب و آشوری عمومی است که در رشدت و وسعت در تاریخ بشسر بی سابقه خواهد بود .

آشننگی و عدم تعادل شدیدی جهان را فراگیر کرد حرکات و نوساناتی فزاینده عالم را بلرزاند تحولات اساسی اجتماع بشر را در برگیرد و نظم موجود را در هم بیچند و اساس حکومها ترا در گگون سازد . اعتقادات مذهبی تضعیف گردد و حکومتها مطلقه نفع گیر ظلم و ستم را در گسترش یابد

موسسات مذهبی منحل و مضمحل گردند . آشوب و هرج و مرج توسعه یابد نهضت های مخالف گسترش و استحکام یابد نارتقاغات نژادی مشتمل شود آلات جهنمی که در آتش کینه بسوزد که ارض آسوده و خوشتر قابل استفاده گردد همه این واقعات عیلاسات و شواهدی است که طبیعه بلیات و همیسات محتومه مقدره از سماء مشیت حضرت رب البریه و با همزمان و همراه آن است که باید در پریازود اجتماعی را که اغلب افراد آن طی مسدات بین ازیک قرن از بدای مظهر آلهی غافل مانده اند فراگیرد و نسل بشر را از لوث فاسدی که در طی قرون مبتلائی آن بوده تطهیر نماید و در مجال اعضای مرکبه آنرا در رقاب و دسترسی واخوت جهانی بنحوی مستحکم بیکدیگر ترکیب و تلفیق نماید بدین ترتیب ملاحظه میشود که طیب آلهی هم در اورعالم انسانی است و هم منجی آن .

همان طیب شفیق آلهی خطاب به پیروان خویش میفرماید :

" محبوب آلهی شمارا از توجه با مورد نیار و ما فیها یسار مدخله در فعالیت های روستا و پیشوایان عالم بر حذر میدارد حق تعالی حکومت گروه ارض را بسلاطین عطا فرموده است هیچکس مجاز نیست خلاف نظر صاحبان حکم و مظاهر

قدرت عمل نماید . (ترجمه) ود رلوحی د بگرسه سروان
خویش فرض و واجب میسازد که " د مملکت هرد ولتی ساکسن
شوند بامانت وصدق و صفا با آن د ولت رفتار نمایند . حضرت
عبدالبهانی همین اصول را مورد تأکید و تأکید قرار میدهند
د امریکاد رخطابی چنین فرمودند :

" جوهر روح بهائی آنکه برای استقرار نظم
اجتماعی و شرایط اقتصادی بهتر باشد

نسبت بقوانین و اصول مملکت وفادار بود . (ترجمه)

د رلوحی اشاره میفرمایند که :

" حکم مبرم جمال قدم که د رالواح متعالیه

نازل فرموده آنستکه " احبا باید د ر نهایت

خلوص و وفاداری اطاعت از حکومت نمایند

و آنان را از مداخله د مسائل سیاسی نهی

فرموده و حتی اخبار را از مباحثه د امور سیاسی

نیز بر حذر داشته اند " (ترجمه)

وبالاخره د رالواح وصایا میفرمایند :

" باید مطیع و خیرخواه حکومت و مملکت خویش

باشیم . (ترجمه)

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند د ر این موقع د و فقهه

از دستخط های آن معهد اعلی را که قبلا " مرقوم شده است

باطلاع شما برسانیم امید داریم که این مطالب شما را در

د ر اهمیت و تاثیر حیاتی بهائیان که باید و میتواندند د

د نیای امروز داشته باشند کمک کنند .

حضرت ولی امرالله بما فرموده اند که د و جریبان عظیم

د ر جهان د ر کار است یکی نقشه عظیم الهی که توسعه اش

ملازم باغتشاش و آشوب فراوان و د رسراسر کره ارض د جریبان

است هرمانعی را د رسبیل اتحاد د نیا از میان بر میدارد و

عالم انسانی را د ر آتش رنج و بلا بصورتی همگن واحد متحد

خواهد کرد جریان این قوه د رمیقات خود صلح اصغر را

بوجود خواهد آورد و آن عبارت از وحدت سیاسی جهان است

که د ر آن زمان بشریت را میتوان بهیگلی تشبیه کرد که موجود

است ولی فاقد روح حیات میباشد جریبان د و م که د میدن

روح حیات بر این همگن واحد بی روح میباشد و آن

عبارت از خلق وحدت و ایجاد روحانیت حقیقی است که منتهی به صلح اعظم خواهد گشت . پس وظیفه بهائیان است که با تمسک به تعالیم مشروحی که در دست دارند و بر خوردن اری از هدایت آلهی با وقوف کامل همواره مجاهدت نمایند تا ملکوت الله را در رکوه ارض مستقر کنند و هم توان خود را به خول و رطل آن در موت نمایند . و بدین طریق حیسات جاودانی بآن میزول دارند . نقشه اصلی آلهی نظرسر بجهتی که هدایت آن بانفس حضرت بهاء الله است بطور اسرارآمیز اجرا میشود لکن نقشه کوچکتر که اجرای آن بمساکه و اگدا شده است بعنوان سهمی ما در این طرح عظیم آلهی جهت نجات عالم انسانی منظورگشته و جزئیات آن واضحاً مشروحاً بیان شده است برای انجام این امر خطیر یا به توای خویش راوقف آن کنیم زیرا جز ما کسی ماورای انجام آن نیست . بهائیان اغلب متهم میشوند که خود را از مشکلات واقعی همخوان و ورنگه میدارند لکن نباید فراموش کنیم کسانی که این اتهام را وارد میکنند معمولاً ما بون اید الیست هستند که در نظر آنان کمال واقعی همانا کمال ما نیست در صورتی که ما میدانیم که ثمرات و مادی که احوال روحانی تغییر از احوال روحانی است و مادی که احوال روحانی تغییر نشاید در جهت بهبود امور مادی تغییر می یابد باید در حصول نگرش و نیز باید بخاطر داشته باشیم که اغلب مردم تصور می روین در باره جهانی که مایل اند بسازند داشته و اصولاً نمیدانند چگونه باید چنین بنایی را بسازند حتی آنها کسی که نظرشان متوجه اصلاح عالم است فقط بدین اکتفا میکنند که بسا هرفسار ظاهری که بنظرشان میرسد میسازند کنند آماجی برای تیرد با ما مسد اعم از آنکه در اوضاع و احوال اجتماعی ظاهر شود و یاد رهیکل انسانهای فاسد متجسس گردد برای نفوس معیار اوری ارزشهای اخلاقی بشمار میبرود و لکن از سوی دیگر بهائیان از هد فی که در جهت آن تلاش میکنند بخوبی آگاهند و میدانند که باید باطنی مراحمسست و بتدریج روح بان برسند همه توای آنان متوجه بنای خیراست خیری که بواسطه قدرت آسمانی خود همه بدی هارا که سا لذات امر مدعی است محو گرداند و با امره از صفحه گیتی

بزرگوارند و درود بر او باد که در آن به محض
مفاسد عالم یک نعل قیام ننایم بنظر بهایان اتلاف وقت
وهدم نیرو است سرسرحیات شخص بهائی باید در جهت
ابلاغ پیام حضرت بهاء الله واحیا همنوعان به حیسات
روحانی مصروف گردند تا در ظل نظم جهانی الهی با یکدیگر
متحد شوند و آنگاه چون قدرت و نفوذ این نظم رشد و توسعه
یابد مشاهده خواهیم کرد که قدرت آن پیام همه اجتماع
انسانی را در گریزند و بنده و بند رنج مشکلات بچیده هائیکه
را حل کند و مطالبی را که طی دوران طولانی فضای عالم
را آشفته و تیره ساخته است از میان بردارد .

برسیده اید که آیا امکان دارد قبل از آنکه کلیت
کشورها با استقلال برسند یک فدراسیون جهانی تشکیل شود
جواب منفی است . حضرت عبدالبهاء و نیز حضرت ولی امرالله
اتحاد ملل دنیا و همبستگی واحد های مرکبه آنرا بصورت یک
نظام متحد و یک پارچه باهدایش جمهوری ایالات متحد
امریکا بصورت یک موجودیت ملی تسمیه فرموده اند . همچنانکه
قانون اساسی امریکا بهیچیک از ایالات آنقاره اجازه نمیدهد
که در آرای حق خود مختاری بیش از دیگران باشد بهمان
مقدار ملل دنیا تحت هر شکل و سیستمی از اتحاد که باشند باید
از حقوق و مزایای مساوی برخوردار باشند . در واقع یکی از
"شمع های" وحدت که حضرت عبدالبهاء اخبار فرموده اند
"وحدت و آزادی" است . سؤال دیگر آنستکه آیا اخلاقیات
صحیح است که در برابر سو استفاده از تساوی حقوق ساکت
بمانیم ؟ حضرت ولی محبوب امرالله در مکاتباتی که از جانب
ایمان مرقوم شده است چنین راهنمایی فرموده اند .

" بهمان شدت که احبا باید خود و امر الهی
را از همبستگی با هر نوع حزب سیاسی محافظه
نمایند باید از جهتی دیگر نیز از انحراف در این
امر یعنی خودداری از مشارکت در گروه ها
یا کنفرانسها یا کمیته های حترقی دیگر که
هدف آن پیشبرد فعالیت های موافق با
تعالیم الهی نظیر جمهوری مناسبات نژادی
است اجتناب نمایند ."

بیت العدل اعظم امید و اراست که آن جناب و سایر
همکاران بهائی در آن اقلیم تعالیم مبارک حضرت بهاء الله
را بیشتر مورد مطالعه و تمعن قرار دهند و بکوشند تا در رحیمات
شخصی از معیارهای تعالیه شریفه شی که حضرتش مقسّر
فرموده پیروی کنند و جمهور ناس را مجذوب عظمت و شکوه امر
مبارک سازند و قلوبشان را حرارت جدید بخشند و ارواحشان
را بشعله‌های نارالایطفی که در عالم خلقت به اشد قوا متلاّیه
است مشتعل و منور سازند .

بیت العدل اعظم از ما خواستند تا شعار آزاد عیسه
آنان در اعتاب مقدسه مطمئن سازیم .

باتقدیم تحیات محبت آمیز بهائی

در الانشا

ازدواج در امر بهائیتی

یکی از فرائض اصلی که خداوند عالمیان در نهاد آدمیان بود یعنی نهاد هود رشایع وادیان قوانین متینه و اصول محکمه برای جلوگیری از افراط و تفریط و سوء استفاده از آن وضع و تشریح گردیده غریزه حفظ ذات و بقای نسل است .

از قدیم الایام بین ملل و اقوام آداب و رسوم مختلفه و سنن و قواعد متنوعه برای پیوند زناشویی بوجود آمده که شرح و بیان آن خارج از صدد اصلی مادرین مقاله است و بطور کلی بهترین طریقه و سالمترین وسیله برای تشکیل عائله و تاسیس خانواد ه در کتب مقدسه برهنمایی مر بیان ملکوتی و موسسین ادیان آسمانی بنوع بشر ارائه شده و راه جلوگیری از فساد و طغیان بروی مردمان مفتوح گردیده است .

در آئین نازنین بهائی امر ازدواج - فوق الحد موکد و مطلوب محسوب گشته و جمال قدم جل اسمه الاعظم در کتاب مستطاب اقدس اهل عالم رابه اجرای این حکم محکم با صد ورا و امری مانند " قد کتب الله علیکم النکاح " (۱) و " تزوجوا یا قوم " (۲) تشویق و ترغیب فرموده اند . در لوح ناپلیون سوم ملا رهبران یعنی تارکین دنیا را که از تزویج خودداری و گوشه نشینی و انزوا اختیار کرده اند باین خطاب مخاطب ساخته اند :

" تزوجوا ليقوم بعدکم احد مقامکم . . ان الذی ماتزوج انه ما وجد مقرا " لیسکن فیه اویضع راسه علیه " (۳)

حکمت اقتران در امر بهائی تسلسل

بجایتان بماند . . کسیکه ازدواج نکند جایز است که در آن ساکن شود و محلی را که سرش را بر آن بگذارد نخواهد یافت .

(۱) خداوند امر ازدواج را برای شما لازم دانسته است .

(۲) ای مردم مزاجت و اقتران نمائید

(۳) ازدواج کنید تا آنکه بعد از شما کسی

متحد باشند تا در جمیع موارد
آلهی اتحادشان ابدی باشد
و حیات روحانی یکدیگر را ترقی
دهند این است اقترا بنهایی

.....

"... در میان خلق از واج-
عبارت از ارتباط جسمانیت و این
اتحاد و اتفاق موقت است زیرا
فرقت جسمانی عاقبت مقدر
و محتمل است و لکن از واج اهل
بها باید ارتباط جسمانی
و روحانی هر دو باشد..."
"... در این امر حیات عاقله
باید مثل حیات ملائکه سما
باشد روحانیت و سرور باشد
اتحاد و اتفاق باشد موافقت
جسمانی و عقلانی باشد خانسه
منظم و مرتب باشد" انتهای

بنا بر خصوص صریحه مبارکه مزبوره هر
زمان که دختران و پسران بهائی مضم
باز واج میشوند و دیگر تا سپس عاقله میافتند
باید بدانند که منظور اصلی و مقصود غائی
و نهایی از این اقترا تشکیل خانواده
است که اساسش بر محبت و الفت کامله
استوار باشد و وحدت فکری و عقیده بر آن عاقله
حکومت کند تا فرزند این اقرا وصلت بوجود
آیند که بر اثرتربیت بهائی و پرورش اموری
و روحانی بالمال مروج وحدت و پیانگی
و خادام عالم انسانی شوند و پیانگی را ن و

سلاله انسان در عالم امکان و ظهور و پرورش
اولاد صالح و دیندار و خدایشناس و مهربان
و خادام بندگان حضرت رحمن است.
در کتاب اقدس این دستور الهی
صدا ر:

"تزوجوا یا قوم لظیمر منکم من
بندگرنی بمن عبادی" (۱)
و حضرت عبدالبها حکمت اقترا را در
بین اقرا چنین توضیح داده اند قوله
الاحلی:

"ای خداوند بمانند بحکمت
کیزایت اقرا در زمین اقرا
مقدر فرمودی تا سلاله انسان
در عالم امکان تسلسل باشد
و همواره تا جهان باقی
بعبودیت و عبادت و پرستش
و ستایش و نیایش درگاه احدیت
مشغول و مالموف گردند..."

برای وصول با این منظور و پرورش حکیم
انسان عاقله و تحسین شئون خانواد
بیانات مفصله در الواح و آثار مبارکه نازل
و صادر شده که من باب نمونه چند فقره
در این ورقه اکتفا میشود:

حضرت عبدالبها میفرمایند:
"زوج و زوجه باید الفتشان
جسمانی محض نباشد بلکه الفت
روحانی و ملکوتی باشد. این
دو نفس حکم یک نفس دارند..."
"مسئله از واج این است
که مرد وزن باید روحا و جسمنا

(۱) از واج کبید تا از شما ظاهرا هر شود
کسیکه مرابین بندگام ذکر نماید.

مادران خود را در دنیا و آخرت سرپسند و
رو سفید سازند .

اگر هر دخترو پسر بهائی در موقـع
از دواج باین فکر باشد و احساسات تنـد
و تیز جوانی را برهنمائی عقل در و راند یـش
تعدیل کند و در ابتدا فکر انتهی نماید و به
نتیجه ناظر باشد بآنچه رضای حـقق
جل جلاله است، فائز خواهد گشت و از سهو و
خطا و عواقب ناروا خواهد رست .

وقتی پدر و مادر متحد الفکر و متفق العقید
باشند و هر دو در یک صراط سالک و بیـک
مید، متوجه گردند و هر دو از یک دستور
آسمانی در عبادات و فرائض دینی و اجرای
احکام الهی و پرهیز از مناهی پیروی نمایند و

آمال و آرزوی قلبی و وجدانی هر دو و یکی
باشد بعباره آخری بفرموده حضرت
عبد الهیاء :

"مرد وزن . . روحا" و جسمنا
متحد باشند" و

" . . در جمیع عوالم الهی
اتحادشان ابدی باشد . . ."

میتوانند از عهد تربیت روحانی
اطفال خود برآیند و مسئولیت عظیمی را که
عند الله در قبال پرورش معنوی اولاد خویش
دارند انجام دهند .

● ارض اقدس حیفای
علی اکبر فروتن

ساعتی با جناب خاضع



ایادی امرالله جناب خاضع اظهارتمایل فرموده بودند که بایکی دوتن ازاعضای
لجنه آهنگ بدیع ملاقات بفرمایند . باخوشوقتی وامتنان این فرصت راغنیمت شمردیم حضورشان
رفتیم . آنچه زیلا* بنظرخوانندگان عزیزمیرسد یادداشتی ازصحبتهای این جلسه
است .

بدوا* جناب خاضع توضیح فرمودند که :

چندشب پیش جلسه مسامره ای بیادشهادت مجید جناب میرزایعقوب متحده
برپا بود . چون دراین مورد بنده اطلاعاتی داشتم که درکتب تاریخی ضبط نشده ودر آن
جلسه عرض کردم . عده ای ازحضرارتذکر دادند که خوبست این شرح نوشته شود لذاخواستیم
این مطالب را بگویم که بنحوی درآهنگ بدیع ضبط شود .
حدود بیش از پنجاه سال پیش بنده به ارتش همدان منتقل شدم ویاخانواده
ساکن همدان شدیم . در آنجا ابتدا بعضویت لجنات وسپس بعضویت محفل روحانی انتخاب

هدم. در آن موقع همدان عده زیادی بهائی داشتند مد رسه تا شید برقرار بود. حظیرة
 القدس و سالن اجتماعات بسیار بزرگی داشتیم. درست خاطر من نیست سال ۱۳۰۲ بسا
 ۱۳۰۴ شمسی در همدان جلسه تذکری بهاد جناب میرزا یعقوب متحده شهید گرفته بودند
 جمعیت بسیاری حاضر بودند. ولی مادر شهید را که میدانستیم در همدان است ندیدیم
 در خلال این احوال در سالن باز شد و خانمی با لباس سفید با مجمعه شیرینی وارد شد
 این مادر شهید بود که جمع را تسلیت میداد و از آنها با شیرینی پذیرائی میکرد. استقامت این
 زن چنان تاثیر بر جمع گذاشته بود که توصیف آن ممکن نیست. بعد ها با این خانم
 آشنا تر شدیم و رفت و آمد میکردیم. ایشان حکایت میکرد که پسر من هر چه ای بحضور حضرت
 عبدالبهاء عرض کرده بود که تاکنون جمیع شهدای امر از نژاد مسلمان بوده اند و هیچیک از
 احمای کلیبی نژاد شهید نشده اند من آرزو دارم که اولین شهید کلیبی نژاد باشم و بعد
 تعریف میکرد که حضرت عبدالبهاء در جواب نیت پسرش راستود بودند. می گفت پسر من
 نزد من آمد و با اصرار و التماس رضایت مراد را این مورد میخواست که در شهادت او اظهار حزن
 و ناراحتی نکنم و یکماه با من بحث میکرد. تا بالاخره با اصرار او اظهار رضایت کردم. اینها
 داستانی بود که مادر میرزا یعقوب شهید نقل میکرد. بعد از این مقدمات بالاخره در
 او اخذ و در میثاق میرزا یعقوب را در کرمانشاه شهید کردند و جسدش را در رکوجه و خیابان
 کشیدند و وضو شائی شد. شرح شهادت این شهید مجید بصورت جزوه ای منتشر شده
 است و منظوره کرآنها نیست. در آن موقع حضرات احمای کرمانشاه از بیم هجوم معاندین
 هر یک در جایی پنهان شدند. جناب میرزا یوسف خان وجدانی که در آن موقع در کرمانشاه
 بودند با نهایت شجاعت برای دفن جسد اقدام کردند و چون در گورستانهای بهبودیان بسا
 مسیحیان یا مسلمین دفن جسد میسر نشد علیهذا بالای یک تپه در خارج شهر جایی را حفر
 کردند و جسد را دفن نمودند و تخته ای هم روی آن انداختند و علامتی هم گذاشتند که محل
 آن معلوم باشد و میرزا منوچهر خان ملکوتی از اعضاء محفل این محل را می شناخت.

حدود سه سال از این واقعه گذشته بود که ما از همدان به کرمانشاه منتقل
 شدیم. در کرمانشاه دوسه منزل عوض کردیم آخرین منزل مادر رکوجه "قاسم خان کشته"
 یعنی همان کوچه ای بود که در آن جناب متحده را شهید کردند. خانم بنده یک شنب
 میرزا یعقوب متحده را خواب دیده بود که با او میگوید آنها این شایسته است که من شهید شده ام
 و احماء مرا بالای کوهی دفن کرده اند و کسی بفکر من نیست. روز بعد این خواب را برای من
 حکایت کرد و گفت از محفل روحانی بخواهم که اجازه دهند ایشان بروند جسد را بیاورند و در
 هر جا محفل صلاح بداند دفن کنند. آنوقت من عضو محفل روحانی کرمانشاه شده بودم وقتی
 این پیشنهاد را در محفل مطرح کردم اعضاء محفل فوق العاده ناراحت شدند. گفتند شما
 نمیدانید کرمانشاه چه وضعیتی دارد. انجام اینکار اسباب ضوضا خواهد شد. ماهه بخطر
 خواهیم افتاد. شما افسرید پس فردا از اینجا خواهید رفت ما هستیم که در خطر خواهیم بود
 خلاصه موافقت نکردند. منم آمدم و بخانم گفتم. پنج شش ماه از این قضیه گذشت یکروز

صبح من بخانم گفتم امروز من به سرپایزخانه میروم تاها را با انفرها خواهم بود بعد از ظهر هم در سرپایزخانه کار دارم شب هم جلسه امری دارم . در بروقت خواهم آمد . ساعت ده شب که بخانه رسیدم و در روز با زکرم وقتیم توبه بدم در رانیا گوشه حیاط که همیشه تار یک بود چراغ روشن است . خیلی تعجب کردم رفتم از پشت شیشه های ارسی نگاه کردم دیدم جمعی وسط انبار است روشن شمع روشن کرده اند و یک طرف خانم بنده و طرف دیگر خانم دیگری پا چادر سفید نشسته اند و مشغول مناجات هستند . صبر کردم صدای مناجات که تمام شد و از شدم ، دیدم نفر دوم وارد شد و شهید است . تا ایشان را دیدم در انستم که حقیقتا خانم رفته جسد متحده را آورد و حالا با مادر شهید بر سر جسد نشسته اند . خوب ، آن موقع چیزی نگفتم ولی بعد از شام بخانم گفتم تو چرا سر خود اینکار را بدونی اطلاع من و تصویب محفل روحانی انجام دادی خانم گفت حقیقت اینستکه چهار رنج ماه بود که در اقامه فکرم ناراحت بود ، بالاخره محل جسد را از همزاد منوچهر سلگونی پرسیدم و مادر سرپایزفتم و جسد را از آنجا که نشانی داد و بودند آوردم و آنرا از نشانی محل دفن وانگفتیم که در دستش بود شناسنامه و با جمعی آوردیم و در این انبار گذاشتم و امروز صبح وقتی گفتم شب در بر میگری بگفتم رسیدیم بهمدان بروم و مادر شهید را بگردانم و با او و اینکار را انجام دادم و پیش از رسیدن شما همراه مادر جناب همزاد به مقوت از همدان بازگشته ام . بخانم گفتم چون اینکار بدونی اجازه محفل انجام شده من فرود اگر از این آنرا به محفل خواهم داد .

روزی بعد قضیه را در محفل عرض کردم . اعضا محفل خیلی ناراحت شدند و بعضی از شور و تصمیم گرفتند که شکایت ایشان را به حضرت ولی امرالله بکنند . بنده هم بعنوان عضو محفل باین نظرای دادم . خلاصه مریضه حضور مبارک عرض شد . هیکل مبارک در جواب مریضه محفل روحانی شرحی مرقوم صفر ما بنده که اصل آنرا بنده به ارض اقدس فرستاده ام و بهت الممد اعظم فتوکین آنرا برای بنده ارسال داشته اند . که حالا متن آنرا برای شما می خوانم :

۸ توفیق ۱۳۶۶ میلادی از حیفا بگردان نشاء اعضا محترمه
محفل مقدس روحانی زید اجلالهم العالی
هو الله تعالی

درستان بزرگان عربی آن اعضا محترمه بمطالعه همایسون
فصل سد ره مبارک رسید مزید توفیقات آن هیئت مقدسه را از
رب البریه مسألت نمودند که انشاء الله روز بروز رخصت آمستان
مقدس موبد ترگردند و در مراتب صیانت امرالله توفیقاتی برتر بیایند
و مادر مخصوص جسد مطهر حضرت همزاد به مقوت شهید فرمودند
ایشان را خلوص و انجذاب رحمانی تحریک نمود که آن جسم
پاک را نقل دهند و صد آن تبه المؤمن خیر من عمله شدند لیهذا
آن نیت اجر عظیم دار ولی مدفن آن شهید مجید باید بر حسب

صوابد بد محفل مقدس باشد . یعنی جمیع امور بتصویب و مصلحت آن محفل روحانی انجام باید خصوصا " امر مذکور در این وقت معلوم و یقین است که عموم احباء " نظر بوحده کلمه الله مصلحت محفل مقدس را اجری نمایند و تمام قوی بتائید و ترویج بردازند و این بامر مبارک ولی امر رب مجید فدیت جماله الفرید مرقوم شد .

عبد ذلیل زرقانی

بخط مبارک :

امای آلهی راتائیدی شد بد از رب مجید خواهم البته آنچه را راجع بمرقد شهید فی سبیل الله لازم و مصلحت دانند مجری دارند و ملاحظه نمایند و تردد نکنند آنچه را بعد از تذقیق و مشورت با کثرت آراء قرار دهند باید عموم افراد احباء از خاص و عام بدل و جان اطاعت نمایند و تمام قوی در تنفیذ و اجرای تصمیم و قرارهای محفل خویش کوشند هذا حکم الله و مساعد اما لا الضلال المبین

بنده آستانش شوقی

وقتی این لوح مبارک به محفل رسید معلوم شد که هیكل مبارک در باره عمل ایشان تذکری فرموده اند ولی آنرا واجب المجازات ندانسته اند . بنابراین اعضاء محفل به بنده فرمودند که جسد را از خانم بگیرد تا ما بهریم دفن کنیم . من این پیغام را بخانم رساندم ایشان گفتند اولاً " من میخواهم این لوح را زیارت کنم و بدانم در حق من چه فرموده اند . محفل لوح را به بنده دادند که برای ایشان آوردم و خواندم ایشان گفت این لوح در حقیقت مال من است به محفل بگوئید سواد بردارند و اصل آنرا بمن بدهند محفل هم پذیرفتند بعد ایشان گفتند حالا که من مقدمات را فراهم کرده ام محفل تعیین کنند کجاست جسد را کجا میخواهند دفن نمایند من خود اقدام خواهم کرد و اینکار را بانجام خواهم رساند .

محفل مقدس بعد از شور و مشورت تصمیم گرفتند این جسد را در اطاق تحتانی برجی که اطاق فوقانی آن محل استقرار عرض حضرت رب اعلی هنگام انتقال از طهران به ارض اقدس بوده است دفن نمایند . وقتی تصمیم محفل معلوم شد خانم گفتند بسیار خوب خرج و کار هم بعهده من و معمار و بنا آوردند و مقبره را بنا نمودند و بعد از اتمام هم گزارش آنرا بمحفل عرض کردند و اعضاء محفل هم آمدند و اول رفتند اطاق بالا را زیارت کردند بعد هم آمدند اطاق تحتانی و وضع را دیدند و باین ترتیب جسد میرزا یعقوب متحده شهید در اطاق تحتانی محل استقرار عرض دفن شد . این نکته ای بود که مایل بودم برای ضبط در آهنگ بدیع بگویم



قرار بود جناب خاضع در روز بعد از این صحبت به سفات شمال عزیمت نمایند . در این مورد پرسیدیم فرمودند :

بنده و خانم هردو بواسطه ضعف جسمانی نمیتوانیم زیاد حرکت کنیم حتی اطباء اجازه ندادند بنده در یکی از این کنفرانسهای هشتگانه شرکت نمایم . فکر کردیم حالا که امر مبارک است که احبباً از طهران خارج شوند اینکار درست که میتوانیم بکنیم در طهران سه نفر از ایادی هستند . این لزومی ندارد . اینست که پس فرد اینجشنیه ما از طهران خارج میشویم . در خارج طهران و ولا بیات بهتر میتوانیم فعالیت کنیم . بعلاوه این آلودگی هوای طهران بخصوص برای افراد مسن خیلی آزار دهنده است بنده در طهران حتی نمی توانم راحت بخوابم .

من تا بحال نمیتوانستم با احبباً بگویم از طهران خارج شویم چون میگفتند تو خودت چرانرفته ای ولی حالا که تصمیم گرفته ام و روز پنجشنبه ۱۵ مهر از طهران خارج میشوم و هر چه ای هم به بیت العدل اعظم عرض کرده ام که از محل اقامتیم به صندوق خواهیم انداخت میتوانم این مطلب را عرض کنم . بیش از این البته خارج از استعداد سنی و جسمانی ماست .

بعد جناب خاضع اشاره کردند که : هیکل مبارک حضرت ولی امرالله ۲۹ سال قبل طی پیامی می فرمایند :

" وقت تنگ است و فرصت نیست که ما بخواهیم به تبلیغ انفرادی بپردازیم . "

ترجمه توفیق مبارک چنین است :

۲۴ آوریل ۱۹۴۹

" . . . اکنون وقت تنگ است و فرصت آن نیست که اهل بهیسا

بخواهند اول به تربیت اهل عالم پرداخته و بعد امر بهائسی را
 منقاد این تعالیم معرفی نمایند و خیر و صلاح افراد در اینست که
 اسم بهائی بگوش آنان برسد و بگراگر آن توجه ننمایند نمیتوانند
 معذرت را این عذر شوند که از وجود چنین امری اطلاع نداشته اند
 چنین بنظر میرسد که عالم هنوز روزهای تاریکی در پیش دارد و چنین
 است که اطمینان خاطر و آسایش و امان ناس جز در پناه آلهی
 مسر نیست بنابراین باید لا اقل اهل عالم بگوش خود بشنوند
 که امر مبارک ما جاء و میلان عالمان است . . .

این ترجمه توفیق انگلیسی هیکل مبارک است مقصود اینست که شما در صورت
 امکان در آهنگ بدیع این تبلیغ وسیع را تشویق کنید . این خیلی اهمیت دارد . امکان
 ندارد که با تبلیغ فردی نفوس بی شمار که ارض را از امر مبارک آگاه کرد .
 بنده در حد بقیه در اجتماع نمایندگان لجنات نشر نجات الله این توفیق را
 خواندم و عرض کردم که چهار میلیارد جمعیت کره زمین الان از امر بی خبرند و اینها ولو قصد بی
 هم نکنند باید بدانند که مظهر ظهوری در عالم ظاهر شده و مبارکی و تعالیم او صلح و وحدت
 و یگانگی و سایر تعالیم مبارک است . این را باید مردم دنیا بدانند .
 اگر بعضی افراد قوه بیان ندارند و نمی توانند با دلایل عقلی و نقلی نفوس
 را قانع کنند می توانند بکمک جزوات و توزیع آنها ابلاغ امر بکنند یا اگر نمی توانند به مهاجرت
 بروند میتوانند از ایام مرخصی سالانه خود برای سفرهای تبلیغی کوتاه مدت استفاده کنند



بعد جناب خاضع با مکان تبلیغ بوسیله رادیو، تلویزیون، مطبوعات، فیلم
 جزوات و از این قبیل اشاره فرمودند و نمونه ها و شواهدی از موفقیتهای احباء در تبلیغ امر الله
 باین وسایل در نقاط مختلف جهان ذکر فرمودند و مخصوصاً تأکید داشتند که برای اجرا امر
 مبارک باید با این وسایل اقدام کرد و الا چهار میلیارد جمعیت جهان را با تبلیغ فردی از امر
 خبردار کردن ممکن نیست .

آهنگ بدیع امیدوار است بتواند در فرصت نزدیکی مصاحبه ای مفصل تر با
 اهالی امر الله جناب خاضع داشته باشد .

دو شعر

از نصرالله عرفانی

جام جهان نها

آنکه از او بیامران داده نشانه هامنم
کرده نظرندیده اود لبر آشنی نامنم
گفت بجمله شطاختم انی نامنم
آنکه بود براه او ره سیر نامنم
گاه عیان و گه نهان گفت ره خد نامنم
مهر منم وفامنم در د منم دوا منم
اوست جهان معرفت جام جهان نما منم

گفت میشی بهیسا راه بر شما منم
ایکه بچشم جستجو روی بار کویک
آنکه بود در او وفا نیست بعهد او خطا
سرور عاشقان منم سید عارفان منم
گاه بد فتریهان گاه بمجلس شهان
شور منم شعف منم نور منم بصورت منم
علم بهیاهنر بهیاشمس بهیاقمر بهی

کوی دوست

فخرممالک بود موطن سرخسدا	موطن سرخسدا ملک سراسر صفا
ملک سراسر صفا خطه رخشان نور	خطه رخشان نور مهد عزیزها
وادی تا کربود عالم عشق و وفا	د رآرزوی نیازبوسه برآن خاک زن
قبله عشاق رانه جای گفت و شنود	بیابد انجانگرقبله عشاق را
سبزه آن مرزوبوم نشانی از خط یار	راضی و تسلیم باش بد رگه کبریا
کشیده سرتافلک سدره عدل بها	د رآرزوی نیازبوسه برآن خاک زن
کوی ود روبرزنش نقش دلای دوست	نکتهت عبدالبهاتراود از آن دیار
همینه امرحق زهرطرف اشکار	سدره عدل بها خیمه خورشید وار
	د رآرزوی نیازبوسه برآن خاک زن
	دوست د رایین گفته ام دوست بمعنای دوست
	زهرطرف اشکار جلوه زیبای دوست
	د رآرزوی نیازبوسه برآن خاک زن

مَنبَهَاتُ أَمْرِ الْكِتَابِ

مقاله اول

وحييد رافقسي

مقدمه

آثار جمالقدم که در مدت چهل سال (۱۳۰۹-۱۳۶۹ هـ ق) نازل گردیده است، صرف نظراً از مشخصات کلی مشهود در تمام آنها، در هر يك از ادوار مختلفه حیات شارع عظیمش مشخصاتی خاص دارد. اگرچه تعیین مشخصات قطعی آثار هر يك از ادوار بنسب ادوار اسلامبول، ادرنه و کاکامری خطیر و مستلزم تحقیقی وسیع و دقیق است اما به سامحه میتوان گفت که اغلب آثار اولیه ایام بغداد مطبوعاً اصطلاحات و عبارات عرفانی است (۱) چنانکه آثار بعدی بغداد از امهات مباحث اخلاقیه و نیز حاوی تمهیرات و تاویلات بدیع آیات کتب مقدسه قبلیه است. (۲)

ورود جمالقدم به ادرنه آغاز تحولی جدید در سبک و محتوای الواح و آثار مبارکه است. الواح ملوک نازله در ادرنه عظمت امر و اعلان شریعت الله را متضمن است چنانکه آثار دیگر این دوره مثل کتاب بدیع (۳) حاوی دلائل حقانیت امر مبارک و اثبات صحت دعاوی جمالقدم مبنی بر مقام من بظهوره اللهی است.

آنچه در دوره پنجساله ادرنه (۱۳۸۵-۱۳۸۰ هـ ق) محسوس است آنکه آثار روزانه میزی است که در دوران حکامیتوان نام قطعی احکام و مبادی بهائی بر آن نهاد

این تحول بانزول الواح حج و نیزادعیه مبارکه آغاز میگردد و با آثار نازله در سنین عکابه اوج خود میرسد .

مشخصه بارز آثار هکاشمول آنها بر احکام و مبادی و اصول اخلاقیه و تعالیم اجتماعی است که بانزول ام الكتاب ، کتاب مستطاب اقدس ، در او اقل ورود به عکا (۱۲۸۷-۱۲۸۸ هـ ق) آغاز میگردد و بانزول الواح بسیاری ادامه مییابد . حتی در آخرین سال حیات جمالقدم اثری شگرف صمی به " لوح شیخ " (۴) نازل میگردد . اثری که فی الحقیقه خلاصه ای از حوادث دوران رسالت چهل ساله و حاوی چکیده ای از آثار نازله در این مدت است ، اثری که با انتخاب و نقل قسمتهائی از آثار نازله قبله (۵) بوسیله نفس شارب اهمیت فوق العاده در بین آثار جمالقدم کسب میکند و منزله گنجینه ای حاوی اهم مسائل مطروحه در امر مبارک در میآید ، اثری که میتواند سندی برای مطالعات تاریخی ، تعالیم اجتماعی ، معائب وارده بر جمالقدم و مومنین اولیه و بالاخره اعمال مخالفین و معارضین باشد .

آنچه در این مقاله و چند مقاله بعدی مورد مطالعه خواهد بود بررسی آثاری است که بعد از کتاب مستطاب اقدس نازل شده و شامل بعضی احکام متمم کتاب مستطاب اقدس است عنوان " متممات " انتخاب نگارنده و ماخوذ از عبارتی است که در لوح حضرت عبدالبها خطاب به آقامهدی رشتی بکار رفته است ، میفرمایند :

" ثابت بریمانسا . . . از کتاب اقدس سؤال نموده بودی همین

است که طبع شده چند حکم متمم دارد که به اثر قلم مبارک است

..... " (۶)

اینکه کدامیک از الواح نازله بعد از کتاب اقدس از این شمار محسوبند جای تأمل است چه نمیتوان همه الواح نازله بعد از کتاب اقدس را متمم دانست . حضرت ولی امرالله هشت لوح را با ذکر نام مکمل حدود و احکام کتاب اقدس محسوب فرموده شرحی مختصر و جامع در اهمیت آن مرقوم داشته اند ، میفرمایند :

" . . . پس از نزول کتاب مستطاب اقدس و تشریح حدود و احکام الهیه الواح متعالیه دیگری نیز در او اخرا یام از برعه مالک انام عز نزول یافت که در آن صحائف مقدسه اصول و مبادی سامیه این امراء عظم تشریح و بعضی از تعالیم و احکامی که از قبل از قلم اعلی نازل شده بود تبیین و تکمیل گردید و در این الواح بدیع منبعه بشارات و اندازات جدیدی از سما اراده رحمن ظاهر و باره ای او امرونهاهی که فی الحقیقه مکمل حدود و احکام کتاب اقدس محسوب است وضع و مقرر گردید . از آن جمله است الواح اشراقات و بشارات و طرازات و تجلیات و کلمات فردوسیه و لوح اقدس و لوح دنیا و لوح مقصود . این اسفار جلیله که از آثار عظیمه و اخیره قلم خستگی ناپذیر جمال اقدس الهی محسوب

در هذا در اهل و این ثمرات جنبه آن خزانه علم آلمی و هدف
فاهی و کمال نهایی رسالت چهل ساله آن جمال مبین است (۷)
با آنکه در میان فوق مهارت "آزادان جمله است الواح" "حاکمی از
امکان اطلاق عنوان "مستات" به بعضی از آثار دیگر این دوره تواند بود اما در این مقاله به
استناد بیان مبارک فوق هفت لوح : (۱) اشراقات (۲) بغارات (۳) طرازات (۴) -
تجلیات (۵) کلمات فرد و سه (۶) لوح اقدس (۷) لوح دنیا (۸) لوح مقصود را بررسی
خواهیم کرد .

این الواح از اهم مآخذ برای مطالعه مخصوص مبارکه در باره عظمت امر آلمی
و نیز مبادی اجتماعی و تعالیم اخلاقی د بابت بهایی است . این آثار که در همین حال حاوی
بعضی از احکام و اشاراتی که وقایع تاریخچه و معارف کتب مقدسه گفته و نیز خطاطی به
اهل ادیان بخصوص بیانیهاست با مقارن "عزائم الواح" (۸) و "املی وایی شمیرات
جنبه آن خزانه علم آلمی" (۹) وصف شده و در آثار حضرت مهد الیها "احیای آلمی به
مطالعه و تعمق در آن امر گردیده اند . حضرت مهد الیها "مفرمایند :

"... الواح تجلیات و اشراقات و طرازات و معارات و کلمات که
قبل از مصود مبارک بدست قلمه نازل و از عزائم الواح است" (۱۰)
و نیز حضرت مهد الیها "در اهمیت آنها مفرمایند :

"... امروز هر نفسی اطلاع بروضای و نصایح بهاء الله با بهد و
الواح و (گذا) کلمات و تجلیات و اشراقات و طرازات و معارات
را بخواند ابد از برای او شبهه نماند که این تعالیم رزق امروز
عالم انسانی است و سبب حیات ابدی است" (۱۱)

و نیز حضرت مهد الیها "در لوح احیای آلمان مفرمایند :

"الواح طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات و معارات را به
امعان نظر بخوانید و بموجب آن تعالیم آلمیه قیام نفاقد تا
آنکه هر یک ششمی روشن گردید و شاهد انجمن شوید" (۱۲)

مستات بدفعات در مجموعه های مختلفه الواح و کتب بهایی به نامه باها تفصل
بعضی از فقرات بطریق سنگی و چاپ و استتسمل تکثیر و نشر گردیده است ولی مجموعه واحدی
که حاوی تمام این الواح باشد در دست نیست . مستات را در مجموعه های زیر میتوان مطالعه
نمود :

۱- اشراقات ، در مجموعه الواح مبارکه مسمی به "اشراقات" (محل و تارخ -
طبع ندارد) صفحه ۵-۸۵ .

۲- بشارت ، در مجموعه مسمی به "مجموعه بزرگی الواح" (قاهره : مجبسی

الدین صبری ، ۱۳۳۸ هـ ق - ۱۹۲۰ م) صفحه ۱۱۶-۱۲۴ .

۳- طرازات ، در مجموعه "اشراقات" صفحه ۱۴۷-۱۶۰ .

- ۴- تجلیات ، در مجموعه "اشرافات" صفحه ۱۸-۲۰۵ .
- ۵- کلمات فردوسیه ، در مجموعه "اشرافات" صفحه ۱۱۲-۱۳۳ .
- ۶- لوح اقدس ، در کتاب مبین که با عنوان "آثار ظلم اهل جلد اول در طهران عهد بد طبع قدس" موسسه ملی مطبوعات امری ۲۰۰۲ بدیع (صفحه ۱۲۸-۱۴۴)
- ۷- لوح دنیا ، در "مجموعه بزرگ الواح" صفحه ۲۸۵-۳۰۱ .
- ۸- لوح مقصود (قاهره ، ۱۳۲۹ هـ ق - ۱۹۱۲ م) که به صورت کتابی شامل ۲ صفحه طبع شده و ۲۸ صفحه اول آن لوح مقصود مورد نظرنا شامل است . (۱۳) .
- متممات به استثنای لوح اقدس که تماماً به عربی است اغلب بفارسی نازل شده و جملات و عبارات عربی هم در آن قسمت اعظم آن به انگلیسی و ۴ لوح آن به عربی ترجمه و طبع گشته است .
- مطالب مترجمه در متممات بعدی متنوع است که نمیتوان همه آنها را در ضمن یک طبقه بندی کلی قرار داد اما همه مسائل مترجمه در آن بخش زایل است :

۱- عظمت امر الهی

سطوت امرالله وقوه موده در تعالیم وبیادی آن که بالمال مسلط برانظلمه موجوده خواهد گشت ورفاه من علی الارض را تضمین خواهد نمود مطلق است که در متممات عمومی متعدد و در باب خود اختصاص داده است .

۲- اصول اعتقادی

اصول اعتقادی بهائی علاوه بر تفسیر نوات غیب آلهی از امکان هرگونه شناسائی و بیان توحید حقیقی و نیز لزوم معرفت اسم اعظم و استقامت بر امر او شامل مطالب دیگری است که در متممات مورد توضیح قرار گرفته است . در اشرافات (۱۴) مقصود از عصمت و معانسی آن راه تفصیل شرح فرموده اند چنانکه ایشان به عصمت مظاهر مرقده سه را بیان به مقام پغمسل ما یبغی آن همالک قدسیه بیان نموده احدی را با او در این مقام شریک نمیدانند .

۳- مبادی اجتماعی

متممات از تفصیل ترین مآخذ مبادی اجتماعی بهائی است . در این الواح لزوم

توجه بدین وجهت احضار آن ، صلح اکبر ، اهمیت مشورت و نیز برقراری عدل بر درگه منجارات و مکانات تشریح کرده است . همچنین خط و زبان واحد و تعلیم و تربیت اطافال ولزوم کسب صنعت و اقرار از اهم مهارت اجتماعی است که در رتتمعات مذکورگشته است .
جمالقه در طرزات (۱۵) اهمیت روزنامه و شرایط اخلاقی روزنامه نویسن را شرح فرموده و روزنامه را به " مرآت جهان " تشبیل میفرمایند . اهمیت مقام سلطنت و نیز لزوم اطاعت حکومت و رعایت امانت نسبت به ولایة امور رسد لوح بشارت (۱۶) و دنیا (۱۷) و کلمات فرد و سپیده (۱۸) تکرر ذکر یافته است . تأسیس حکومت و جامع مشورت و جامع خواص جمهوری و سلطنت و نیز عظمت مقام علمای راشدین و عدم جواز انزوا و تحمل ریاضات شاقه از سایر برهمنی ، اجتماعی ، مذکوره در رتتمعات است .

۴- مساقل نظم اداری

در رتتمعات اهمیت مقام و وظائف بیت العدل اعظم آلهی و همچنین مقام اباری امیرالله تشریح کرده است .

ه- احکام

جمالقه در راشرافات (۱۹) به قبول بعضی از احکام حضرت نقطه اولی و نسخ بعضی دیگر و تشریح احکامی جدید اشاره میفرمایند . محو حکم جهاد و نسخ حکم محسو کتیب و رالواج بشارت (۲۰) و دنیا (۲۱) نازل گشته است . در رتتمعات همچنین شد رجال و اظهار مصاصی نزد خلق منع گشته و جواز نسخ از قلم اهل صادر گردیده است .

۶- تعالیم اخلاقیه

رتتمعات از اهم تأخذ بهایی برای مطالعه تعالیم اخلاقیه ظهور جدید بدست در هر هفت لوح مخصوص تعالیه کثیره در باره تقوی ، منع از جدال و فساد ، امانت ، نیال بودن لسان به سب ولعن ، عدل و انصاف ، مباشرت با اهل ادیان بروج و روحان ، تکلم به صدق ادب ، استقامت ، خضوع و خشوع نازل گردیده است . خشیتة الله ولزوم معرفت انسان به نفس خود و نیز رعایت اعتدال در جمیع شعبه حیات در رتتمعات بکرات تکرار شده و نظام الهیه و آرایش در لوح بشارت (۲۲) بشرط آنکه ملصیه جهال واقع نشود بدست مهارت داده شده است .

۷- تحقق مواعید کتب قبل

با ظهور جمالقدم مواعید وعلامات مذکور در کتب مقدسه قبل که در حق مظهر کلی الهی نازل شده است تحقق یافت. جمالقدم در کلمات فردوسیه میفرماید:

"امروز جشن عظیم در ملاه اعلیٰ برپا چه که آنچه در کتب الهی وعده داده شد ظاهر گشته."

جمالقدم ظهور ساعت وقیامت و میزان و جنت و نار و سقوط نجوم و نفع عویرا بظهور خویش تاویل میفرماید و بشارت بظهور الله مندرج در کتب قبل را محقق در این ظهور اعظم میدانند.

۸- خطابات به اهل ادیان

در متممات بیانی هابیش از هر ملت دیگری مورد خطاب و نصیحت قرار گرفته اند و در طرازات (۲۴) مخصوصاً به تفکر و عمل احتجاب حزب قبل دعوت شده اند. جمهور مسیحیان در لوح اقدس و خوربهها و رهبه ملت روح در بشارت (۲۵) مورد خطاب قلم اعلیٰ واقع گشته و به تزویج امر گردیده اند. جمالقدم همچنین در لوح دنیا (۲۶) و کلمات فردوسیه (۲۷) حزب شیعه را مورد خطاب قرار داده و برای ایشان طلب هدایت میفرماید.

۹- خطابات به افراد

هادی دولت آبادی ویحیی ازل مورد خطابات متعدده در متممات قسرار گرفته اند. جمهور علما در کلمات فردوسیه (۲۸) مورد خطاب واقع شده در حقشان ایسن چنین نازل گشته است:

"ای دانایان ام از بیگانگی چشم بردارید و بیگانگی ناظرهاشید
و به اسبابی که سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم است تمسک
جوئید." (۲۹)

در همین لوح (۳۰) حاج ملاهادی سبزواری حکیم متأخر ایرانی مذکور گشته و "حفظ جان و خوف" و "محروریت از سمع" او برای اصفای ندای حق مورد اشاره قرار گرفته است.

در لوح دنیا (۳۱) سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی با عنوان "نفسی وارد مفر سلطنت ایران گشت" و نیز "شخص مذکور" یاد کرده و بعضی از اعمالش

اشاره گفته است .

۱- و تاج تاریخه

جمالک م در رقصات ذکر مسمیاتی را که برای هدایت خلق تحمل فرموده اند

شرح میفرمایند و نیز روح دنیا (۳۲) به شفقت احیاء از غمگنان که بعد از شهادت حاجی محمد رضا مصطفیائی در عشق آباد واقع گردید اشاره میفرمایند . ذکر و تاج تاریخه سیاه چال و حسن مازندران و طهران به اعاره در اغراضات (۳۳) آمده است .

۱۱- مضامینات

در هر يك از پیش لوح از رقصات آیاتی بمانند حاجات بقاری و مری نسا زل گفته است که بعضی از آنها بسیار مشهور است . این حاجات بسیار تند از :

" آلهی الیهی لك الحمد بعد للتی الیهی ... " (اغراضات) (۳۴)

" سبحانك یا الهه العالم ومقصود الامم ... " (طرازات) (۳۵)

" آلهی الیهی اسمك بد ما عاشقوك ... " (بشارت) (۳۶)

" الیهی الیهی تسمع حنین بهاك و صرخه ... " (لوح دنیا) (۳۷)

" سبحانك یا الهه الكائنات ومقصود السمکات ... " (لوح مقصود) (۳۸)

" حل الیهی الیهی تزانی طائفنا حول ارادك ... " (كلمات فردوسیه) (۳۹)

آنچه مذکور گشت مطالعه ای اجالی و اشاره ای مختصره مساقل مندرجست

در این الواح بود ، در چند مقاله سعی راجع به هر يك از این الواح بنحویه مفصل تر بحث خواهد گردید .

مراجعه

۱- مثل هفت رازی ، چهار رادی و شتوی

۲- مثل کلمات مکتوبه ، ایقان و جواهر الاسرار

۳- کتاب بدیع خطاب به سیدی رفیق قاضی از زبان آقا محمد علی شهاب کوزروشن اصفهانی

نازل شده است .

- ۴- لوح شیخ خطاب به شیخ محمد تقی ابن زئب پسر شیخ محمد باقر اصفهانی ملقب به زئب قریب یکسال قبل از صعود نازل گردید .
- ۵- جمالقدم در لوح شیخ قسمت هائی از آثار نازله در سنین قبل مثل کلمات مکتونه ، سلطان ایران ، سوره هیکل و لوح برهان را نقل فرموده اند .
- ۶- ع ، اشراق خاوری ، رحیق مختوم (طبع اول - ۱۰۲ بدیع) جلد ۱ ، ص ۱۷۵ .
- ۷- حضرت ولی امرالله ، کتاب قرن بدیع (ترجمه نصرالله مودت) ، (طبع ۱۲۵) ، جلد ۲ ص ۳۹۳-۳۹۴ .
- ۸- اسدالله فاضل مازندرانی ، اسرارالانوار خصوصی ، (طبع ۱۲۴ بدیع) جلد ۱ ، ص ۱۳۹ .
- ۹- ماخذ ۷
- ۱۰- ماخذ ۸
- ۱۱- ع ، اشراق خاوری ، مائده آسمانی ، (طبع ۱۲۹ بدیع) جلد ۵ ص ۹۳ .
- ۱۲- حضرت عبدالبهاء ، مکاتیب ، جلد ۳ ، ص ۹۳ .
- ۱۳- از این پس هر جا به الواح متمم اشاره شود اشاره بنسخه ای است که در متن مقاله بیان اشاره گشته است .
- ۱۴- اشراقات ، ص ۵۸ .
- ۱۵- طرازات ، ص ۱۵۴ .
- ۱۶- بشارات ، ص ۱۱۸ .
- ۱۷- لوح دنیا ، ص ۲۸۹ .
- ۱۸- کلمات فردوسیه ، ص ۱۲۰ .
- ۱۹- اشراقات ، ص ۸۳ .
- ۲۰- بشارات ، ص ۱۱۶ .
- ۲۱- لوح دنیا ، ص ۲۹۴ .
- ۲۲- بشارات ، ص ۱۱۸ .
- ۲۳- کلمات فردوسیه ، ص ۱۳۲ .
- ۲۴- طرازات ، ص ۱۵۶ .
- ۲۵- بشارات ، ص ۱۱۹ .
- ۲۶- لوح دنیا ، ص ۲۹۵ .
- ۲۷- کلمات فردوسیه ، ص ۱۳۲ .
- ۲۸- کلمات فردوسیه ، ص ۱۱۷ .
- ۲۹- کلمات فردوسیه ، ص ۱۲۲ .
- ۳۰- کلمات فردوسیه ، ص ۱۱۶ .

- ۳۱- لوح دنیا، ص ۲۹۸.
- ۳۲- لوح دنیا، ص ۲۹۴.
- ۳۳- اشراقات، ص ۵۴.
- ۳۴- اشراقات، ص ۶۰.
- ۳۵- طرازات، ص ۱۴۸.
- ۳۶- بشارت، ص ۱۲۰.
- ۳۷- لوح دنیا، ص ۲۹۵.
- ۳۸- لوح مقصود، ص ۲۷.
- ۳۹- کلمات فردوسی، ص ۱۱۴.

● تذکر و تصحیح :

جناب عزیزالله سلیمانی نویسنده مقاله " نکته‌ای چند درباره ازدواج " که در شماره ۳۴۰ آهنگ بدیع دج شده تذکر داده‌اند که جطه (و آن جهانی باشد) در صفحه ۶ ستون دوم سطر ۲۱ باید بشکل (و آن جهانی هم باشد) تصحیح گردد .

آئین جهانی بهائی دیانت آتیه زمین

ترجمه مقاله مندرج در انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه اونیورسیتی فرانسه شماره ۱ سال اول نوامبر ۱۹۷۵
ANNALES UNIVERSITAIRES
Faculté des Lettres et J. Chouleur نوشته زاک شولور
Sciences Humaines (AVIGNON) ترجمه دکتر ا. روشن



زیلا " ترجمه مقاله ای که در ضمن سلسله
انتشارات و تحقیقات دانشکده ادبیات دانشگاه اونیورسیتی
فرانسه در مورد " آئین جهانی بهائی " منتشر شده بنظر تان
می رسد . البته چنانکه خوانندگان عزیز توجه خواهند
فرمود بعضی از موارد آن محتاج توضیح و تصحیح است و لسی
بنظر حفظ اصالت مطلب و امانت در ترجمه حتی المقدور
از تصرف در آن خودداری شد .

آهنگ بدیع

بوده اند نمیتواند يك آئين جهانی واقعی آئینی قادر بر ایجاد تمدنی جهانی تشکیل دهد
 بالاخره بدیهی است که هیچکدام از ادیان بزرگ فعلی امکان آنرا ندارند که سایر ادیان را -
 در برگیرند . یهودیان و مسیحیان و مسلمانان و هندوها و بوداییان هیچکدام مایل به خروج
 از سرای خویش نیستند چه که ادیان دیگر روی آنها چنان تأثیری ندارد که آنها را جذب کنند
 و وجداناً به زمین دیگر بگریزند . امری که در نظر آنها غیانت بدین خویش تلقی میگردد از طرف
 دیگر آشکار است که مفسران از اتحاد و یا تشريك مساوی گنیمت‌های موجود يك شرح واقعا " نولا زم است
 تا بتواند آئینی جهانی تشکیل دهد . چنانچه در خود انجیل گفته شده " شکهای کهنه
 بدر شراب نون میخورند " .

آیا این دیانت آئینه این دیانت که ناظر به تمام مردان و زنان فرد است وجود
 دارد ؟ چنانچه جواب مثبت است با توجه باینکه مذاهب حائز اکثریت فعلی نمیتوانند چنین
 دیانتی را تشکیل دهند که امیک از اقلیت‌های موجود میتواند این وظیفه را ایفا کند ؟ از خصایص
 قرن ما وجود تعداد بیشمار فرقه‌ها و دستجات است . پاره‌ای مانند ادواتنتها روز هفتم
Adventistes du Septieme Jour یا شهود یهود **Témoins de jehove** افکارشان از تعلیمات
 کلیساهای انگلیسی و امریکائی قرن نوزدهم ریشه میگیرد بدیهی است با روش قسری که دارند
 و با خرافاتی که بارت برده اند و با دید فزون وسطائی طیرغم کوشش خستگی ناپذیر مبلغینشان
 قادر به فتح کره ارض نیستند . شعبه‌های دیگر از مسیحیت مانند تاهمین مکتبهای سویدن برگ
Swedenborg و کرسمین سایانسا **Science Chrétienne** موقعیت مناسبتری دارند زیرا
 خود را در يك سطح فرهنگی عالیتر قرار داده و کوشش دارند در نیار با يك دید منطقی تشریح
 کنند با وجود این نتیجه کوششها و آمالشان در زمینه گرایش افراد بمذاهبشان صغیر است . مورمونها
Mormons مریدان متعدد در تحرك باعزیمی راسخ برای نشر عقاید خویش و همچنین منابع
 مالی سرشار را اختیار دارند و بنظر میرسد در چند مملکت عرض اندام کرده باشند و بتوانند افکار
 خویش را بقبولانند . در نیک و بد روش آنها میتوان نکاتی چند گوشزد نمود :

از جمله معتقداتی که در ستون محسنات درج میشود : اعتقاد ببریگانگی دائمی
 زن و شوهر و واحد خانوادگی است ، اعتقاد به ترقی دائمی ارواح پاک است که بالمآل در دنیای
 بعد وضع ملکوتی احراز خواهند کرد و این مانع از آن نخواهد بود که در این دنیا نیز بنیان راستی
 و روشنائی و عدالت که آرزوی پیمبران بوده است بنیاد گردد .

از جمله معتقداتی که در ستون معایب درج میشود : جنبه انجیلی دادن به
 نوشته‌های گوناگون کاملاً " مورمونی است بدون آنکه اصل و مبدأ آن مشخص باشد ، اعتقاد
 مطلق و اجباری بنظرات و انکشافات روسای کلیسا است ، تعبد بحکومت مطلقه و بدون چون
 و چرای مقدسین موسوم بمقدس‌های روزهای آخر آغشته به آداب و رسوم یا نکیه‌هاست
 چون از غرب بشرق متوجه شویم بجزایرهای بیشمار مذهبی که از هند و شرق دور -

سرچشمه گرفته اند برخوردار میکنیم مذاهبی مانند سوکا گاکائی ، مهاریشی مهش ، یوگی ، بودائی ،
Soka Gakkai, Maharishi Mahesh, Yogi, Bouddhisme, . . .

که اغلب با یک دیگر تفاوت وفاقه مشخصات جدی هستند ولی رویه پرفرخته همه محصور در آب و سینی مخصوصی ولی با منطقه ای خوبند و نمیتوان جنبه بین الطللی آنها را در ، چگونگی میتوان یک مغرب کهنی را متقاعد کرد که برای بدست آوردن حیات ابدی کافی است سست تراشیده و چون تارودن توسط آن باقی گذارد ولی باس مخصوص زعفرانی رنگ پوشیده و با زردن دست روی طبل بخواندن جمله هائی مانند ها را ماها کرپشنا بر رخ اخت .

یک در بین جدید بنام آئین جهانی آئیده است . اطلاق گمده هب با این آئین کاملاً پذیرفته شدن به عنوان د یانت جهانی آئین جهانی بنظر من واجد شرایط ممتاز برای صحیح نیست چه بیرون آن ترجیح میدهند گمده ای بکار برند که کمتر جنبه انحصاری داشته و دارای تحریک بیشتری باشد از اینرو بیشتر آزاد نوشته های خویش آئین جهانی جهانی مینامند بهائی شدن برای هیچکس مستلزم انگار مذهب قوی خویش نیست . برعکس فلسفه بهائی بهر اساس حقایق و وحدت تمام ادیان بنا شده است . تنها صحبت از تحمل سایر ادیان نیست بلکه اساس پرشناسائی منطقی جنبه بزرگانی والهای آنها هم از گنهی و مسیحی و مسلمان و سایر ادیان الهی در رجهای گوشه زمین است . برای بهائیان اساس دین یکی است زیرا خدا یکی است و نوع بشر یکی یک بهائی به بیرون بیان و مسلمانان و زرتشتیان و کاتولیکها و پروتستانتها و هندوها نمیگویند مذهب شما غلط و مذهب ما درست است و باید از مذهب ماتیمت کنید . برعکس میگویند آئین شما تا آنجا که بحقیقت و وضع اساسی آن مربوط است صحیح است ولی اینک دوره آن منقضی شده . هر مذهب هئین ناظر بیک قبیله ، یک ملت یا یک نژاد در محدود یک نوع آن ابروسنن و برای یک زمان خاص بوده ولی اینک باید مرزها را شکسته شود تا بیک وحدت کامل دست رس حاصل گردد . مذهب شما حقیقی است ولی تنها مذهب حقیقی نیست بلکه فقط جزئی از حقیقت راستان میباشد و این حقیقت تنها ناظر بدوره معینی از تاریخ تمدن است . فراتر از تعصبات و مرزها نظر کنید بقرون بعد نظر افکنید ببا هم آئینی جهانی برای نژاد انسانی و زبان آئیه بسازیم . آئین جهانی بهائی ما را بتوسعه دادن افق مذهبی خویش دعوت میکند نه به رد کردن سایر مذاهب .

بطوریکه در دنیا له مطلب خواهیم دید آئین بهائی در یک محیط مسلمان بسیار بعمره شهود گذشته در ریادی امر این موضوع اهمیت ندارد زیرا بهائیان شخصیت هائی مختلفی مانند زرتشت ابراهیم ، موسی ، مسیح و محمد را پیمبران صادر میدانند . بهائیان منکر کریشنا و بودا نیستند و نیز فوس وجود پیمرانی را که بشر خاطر آنها را از دست داده باشد رد نمیکنند برای بهائیان تمام این پیمبران مظاهر الهی هستند تمام افراد منتخبی هستند که در فواهد کم و بیش منظم معمول شده اند تا بشر را راهنمایی کنند و حقایق اهلیه را برای آنها مبرهن نمایند اولین این حقایق عشق و محبت است . تمام واضمین مذاهب معتبر در م راسوی محبت و مهریانی و عطفوت و خدمت بنوع و غوا و فاضل و عدالت و برادری دعوت کرده اند . با اعتقاد و اقم اساسی " تو خدا ای خود را از تمام قلب دعوت داری و دیگران را مانند خود دعوت خواهی داشت از طرف دیگر ممکن است پیمبران او امری صادر کنند که ناظر به جز مشخصی از نوع انسان و در

مرحله شخصی از تکامل تاریخی او باشد . جانشینان پیمبران مانند گمشان و روسای کلیساها روحانیون و علماء مذاهب مختلف بحمل خود قوانینی درباره تشکیلات کلیساها و تشکیلات اجتماعی و آداب و سنن وضع کرده اند که در نتیجه آنها اختلاف میان ملل مختلف را عمیق تر نموده است . مثلاً یهودیان ختنه میکنند ، گوشت خوک نمیخورند در حالیکه مسیحیان باین دو موضوع توجهی ندارند و یاهینکه مسلمانان از نوشیدن نوشابه های الکی منع شدند در حالیکه برای مسیحیان و یهودیان این منع وجود ندارد . مسیحیان غسل تعمید دارند و در مراسم مذهبی مخصوص مانند مراسم اوکارستی شرکت میکنند (مراسمی است که کاتولیکها بنا بر فلسفه ای که درباره جسم و خون و روح والوهیت مسیح دارند بصورت چشیدن نان و شراب انجام میدهند) مراسمیکه یهودیان و مسلمانان بآن معتقد نیستند . عده ای بهنگام دعا زانو بر زمین میزنند عده ای دیگر ساجد میشوند ریات عظیم میکنند . عده ای بهنگام نماز بسوی کعبه میایستند دیگران بسوی بیت المقدس . پاره ای روز جمعه را برای راز و نیاز یا خدا در نظر گرفته اند عده دیگر شنبه و عده دیگر یکشنبه تمام این اختلافات بنظر بهائیان بی اهمیت و غیر قابل توجه است . پاره ای از این آداب و رسوم ناشی از تاثیرات خاص موجود در محدوده های معینی هستند و پاره دیگر مشابه شاخه های هرزویی شعرو مزاحم است که طی قرون و اعصار بر درخت مذهب روئیده است . درخت را باید حفظ کرد ولی شاخه های خشک و بیفایده که مانع از رشد و نمای درخت اصلی است باید بریده شود . از طرف دیگر پاره ای تعالیم اصلی پیمبران نیز در نتیجه دخل و تصرف پیروان آن در طول زمان تغییر شکل یافته است از این رو پیام الهی که بوسیله پیمبران گذشته به ما رسیده ممکن است تغییر شکل یافته و درهم و برهم شده و بصورت غیر اصلی باشد از این رو لازم میشود بنحوی که بهائیان میگویند هنگامیکه فصل زمستان دیانتی رسید بهنگامیکه دوران نشو و نما آن منقضی شده و دیگر شمر ثمر نیست مظهر جدیدی ظاهر شود . این فکر را بنیاد شعرهای معروف بهاگاواد جیتا Bhagavad- Gita میاندازد که میگوید :

..... هربار که عدالت محووی عدالتی اوج گرفت من متولد میشوم
برای اینکه خوبان رانجات دهم و اشرار را ریشه کن نمایم . برای
اینکه عدالت بر اریکه مستقر گردد من گاه بگاه متولد میشوم

چنانچه گفته های بهاگاواد جیتا زیاد متبادر و فکراستدلال طلب مانیتست به
جمله ای از گفته های بالزاک Balzac توجه کنیم :

..... گرچه شرایع اشکال گوناگون بینهایت داشته اند مفهوم
واقعی و سازمان ماوراء الطبیعه ای آنها هیچگاه تغییر نکرده
است . بالاخره نوع بشر همواره فقط یک مذهب داشته است برای
آنکسی که خود را در مسیرهای مذهبی میاندازد مذاهب کهنه
نام تمام موسسین آنها شناخته شده نیست ، ثابت شده است که
زردشت و موسی و بودا و کنفوسیوس و مسیح و سوید نبرگ . . . همه

متكى باهمول مشترك بوده ومنظور مشترك ن داشته اند

پيهران خد هستند واره اورا براى مرد م تشریح میکنند . بعقیده بهاقيان آخرين مظا هر كه اظهارا مهنوده اند ميرزا علي محمد معروف بباب وميرزا حسينعلی ملقب به بها ء الله هستند هر و ايراني هستند و در امان اسلام شيعه نشوونما گره اند . باب يك شارع بسيار با جرات و نيوكاروبند ال بوده كه برضد خرافه پرستى و فئاتيزم هم مسلكتش قيام كرده است . شاه وقت و علمای مسلمان از اقدامات مریدان باب كه با بى ناهيده ميشدند بيمناك شده و بقلع وقوع آنها اقدام كرده . هزاران نفوس كشته و خانها آنها ويران گرده بالاخره خود باب نيز توقيف و زندانى شده و در سال ۱۸۵۰ تيرباران شد . بهنگام اعدام و باريك تيب سر با زيروى او آتش كشودند باراول بنحو معجزه آساقى از آسيب هزاران گلوله در امان ماند ولى باره و گلوله ها اثر كرده و بعضى فحيح بدن اورا مشبك نمود . باعتقاد بهاقيان باب ميشروطلايه ظهر . . . من يظهروه الله يعنى بها ء الله بوده است (۱۸۹۲-۱۸۷۲) باب در مقابل بها ء الله بعقاب بوجناى تعميد ن هنده در زمان مسيح بوده . باب راه را براى ظهور بها ء الله باز نمود بها ء الله پسرىكى از روزنای دربار شاه بوده و علاقه واحترام مخصوص نسبت بشخص با بواقدامات او ابراز اشته . بها ء الله راد رسال ۱۸۵۲ با تمدادى از بهاقيان بزنده ان افكندند زند انسى وحشتناك (سياه چال) تنگ و تاريك فاقد نور و هوا بسيار رغن و ناسالم در رشرايطى بسيكار وحشتناك پاهايش راد رگند و گردنش را بزنجير بستند محبوسين هر روز در انتظار شهيد شدن بوندند بقد رنج ارزندن قطع وقوع كاسته شد و پس از چهار ماه بها ء الله ارزندن ان كه در واقع قبرى بيش نبود ببيون كشيده شد و بخراب ازگهور تبصيرد گرديد .

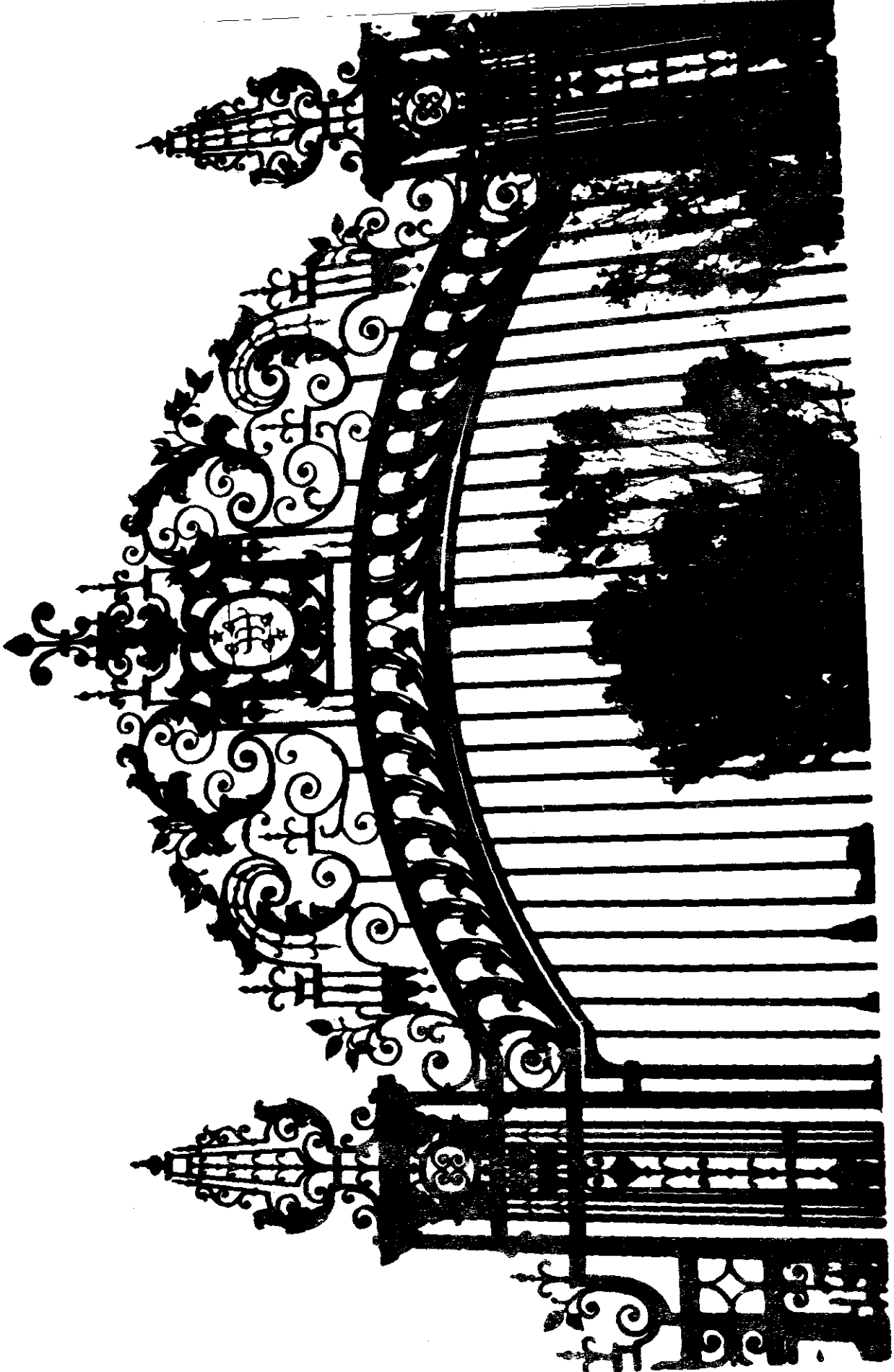
ارنست رونان Ernest Renan بارها از با بيان و بهاقيان تحسین و تمجيد نموده . گنت گوبينه de Gobineau احساسات مشابه در باره ايهان ابراز اشته است .

پس از تبصير شدن از ايران بها ء الله راهى بس در راز و پرشقت بيموده از شهسوى بشهر يگر سرگون شد و پس از توقفيهاى در بغداد واسلامبول وادرنه بالاخره در سال ۱۸۶۸- بزنده ان عكا در فلسطين وار شد . بها ء الله در بغداد علنا اعلام كرده او مظهر امرا بهاقى جديدى است . امرى كه در رضى اسارت در زندان با والها م شده است . اولياى دولت عثمانى با تحريك عمال دولت ايران بمخالفت با بها ء الله پير ااختند و اوراد زندان عكا مسجون ساختند . زند انيكه از نظردى آب وهوا مشهور است . سالها بها ء الله و خانواد ه او و عده اى از دستانش در اين زندان بسربردند ولى با مرور زمان بتدريج از شدت عمل نسبت بزنده انيان كاسته شده و به پيغمبر ايراني اجازه داد شده رخانه اى خصوصى اقامت كند و در استان ويارايش را بحضور بندي پير . از جمله دانشمندان غربى كه بحضورش رسيد ه پروفيسور وارن براون استاد كالچ ليمبروك كامبريدج است اين دانشمندان كوششهاى براى شناساندن شخصييت بها ء الله و عقايد بهاقيان در مغرب زمين انجام داده است . پس از اوشخصييتهاى بسيار معروف و باشهرت جهاقى مانند تولستوى ، نورل ، مازريك ، بنش Rolstui , Forel ,

که مفتوح شده و تعداد محافل روحانی خویش را اعلام کنند ، بموجب برنامه توسعه بین‌المللی که طرح شده بهائیان در ورتین جزایرمانند جزایر پاسفیک ، در توسعه نیافته ترین ممالک ساحل جنوب شرقی آسیا ، اراضی وسیع شمالی کانادا مستقر شده اند . تنها استثنا ممالک کمونیست است که پس از بستن مشرقی الاذکار بهائیان در شرق آباد (روسیه) در سال ۱۹۲۸ - (اولین مشرق الاذکار بهائی) و توقیف اموال بهائیان این نواحی دیگر تشکیلات بهائیان در این ممالک تاسیس نشده است .

جامعه بهائی جامعه ایست مرکب از ملل و نژاد های مختلف و مخالف با تبعیض نژادی . بهاء الله در تعالیم خویش تساوی کامل و برادری بدون شرط تمام نژاد های بشری را اعلام کرده است . بهائیان برای وصول باین هدف دست به تظاهرات در خیابانها و انجام اقدامات خشن و پاره پیمائی و سایر روشهای متداول نمی زنند بلکه سعی میکنند ضمن حشروشنی و زندگی صمیمانه با طوائف و نژاد های مختلف عملاً وحدت و برادری مورد نظر را میان طوائف و نژاد ها برقرار کنند . و قلوب افراد را از تعصبات مذکور پاک و منزه کنند . یکی از خصائل مهم بهائی عدم تشبث به اقداماتی مانند متهم کردن مرتد شمردن و محکوم کردن افراد است اعم از اینکه این فرد یک قوم و خویش ، یک دوست ، یک همسایه ، یک همکاری ناشناس در خیابان و یا یک مرد سیاسی که روی پرده تلویزیون ظاهر میشود باشد . البته ممکن است گاه اعمال دیگری را تنقید و یا گلایه کرد ولی این عمل باید فقط در موقع لزوم و با نهایت سنجیدگی و ادب صورت گیرد . برای اینکه بازموضوع نژادی برگردیم متذکر میشویم که یک گروه عادی بهائی از یک عده اشخاص تشکیل میشود که متعلق بگروه های نژادی مختلف هستند . مثلاً در آمریکا اجتماع بهائی تنها شامل سفید پوستان نبوده و افراد دیگر مانند سیاه پوستان ، پرتوریکوئینها ، چینی ها ، ژاپونیها . . . و سایرین را شامل میشود . تساوی حقوق کامل از نظر مسئولیتها و انجام وظایف میان آنها برقرار است بدین طریق سلول بهائی سعی دارد ماکت و مدل زنده اجتماعی باشد که بهائیت می خواهد برای قرون آتیه تشکیل دهد . با ازدواج میان نژاد های مختلف نه تنها مخالفت نمیشود بلکه تشویق میگردد . در عین حال بهائیت معتقد است که هر تیره ای باید خصوصیات خویش را حفظ کند چه وجود این قبیل تمایزات من حیث المجموع بسود جامعه است . یک چنین روش بطور قطع با داشتن اعتقاد مذهبی بیک پدر مشترک تسهیل میگردد .

بهائیان همانطور که با تبعیض نژادی مخالفند با تبعیضات ناشی از طبقات اجتماعی و تمول و فقر نیز مخالفت دارند . بهائیان از شرکت در اختلافات احزاب و کشمکش های سرمایه داری و سوسیالیزم احتراز میکنند ولی تأکید میکنند که در یک جامعه سالم نباید تمولهای بیکران و فقر و تنگدستی وجود داشته باشد . بعلاوه بهائیان در کشمکشهای سیاسی شرکت نمیکنند . بهائیان نمیتوانند عضو حزبی باشند زیرا مفهوم حزب تجزیه و تقسیم و اختلاف منافع را در بر دارد . بهائیان مطیع حکومت مملکتی هستند که در آن اقامت دارند صرف نظر از نوع حکومت ولی کوشش دارند عدالت و صلح و رفق و مدارا را ترویج کنند . ناسیونالیسم افراطی و



وجنگجویی نقطه مقابل افکار بهائی است بهائیان از جوانان خود میخواهند که در خدمت وظیفه شرکت کنند ولی کوشش کنند که محل خدمت آنها در صفوف غیر متحارب باشد ولی این روش نباید منجر به عدم اطاعت گردد زیرا اطاعت از حکومت قانونی مملکت از اصول مسلم تعالیم بهائی است .

اعلام تساوی حقوق زنان و مردان یکی از زمینه های دیگر فعالیت بهائیان برای حصول برابری افراد انسانی است . تمسک باین اصل در اواسط قرن نوزدهم و در یک مملکت اسلامی بهترین دلیل برای اثبات اصالت و جرات و صمیمیت بهائیان است . در میان اولین پیروان باب زنی است دانشمند و شاعر ملقب به طاهره . طاهره دارای این جرئت و جسارت بود که برای اولین بار بدون حجاب در یک مجمع مردان ظاهر شد . جرئت و جسارتی که بالمال باعث شد در ردیف اولین شهدای بایی ضمن قتل عام بایبان در سال ۱۸۵۲ قرار گیرد و راجعه کرده و جسدش را در چاهی انداختند .

در جامعه بهائی و تشکیلات آن زنان بهائی دارای همان حقوق و مزایای مردان هستند این تساوی حقوق حقیقی بهیچ وجه تشابهی با روشهای افراطی دستجاتی مانند کانونهای **Women's Lib.** (آزادی زن) ندارد که نتیجه کار آنها از طرفی تولید نفرت از مردان و از طرفی مردگرایی زنان است . بهائیان زناشوئی را یک پیوند مقدس دانسته و عشق و محبت خانوادگی را مقدس ترین سنن میدانند . بهائیان از طلاق متنفرند ولی در مواقع اضطراری آنرا مجاز میدانند . طلاق پس از یکسال تریص که در واقع مهلتی است برای تفکر عمیق و اخذ تصمیمی عادلانه صورت میگیرد .

از دیگر وظایف مهم بهائیان تربیت اطفال است . تربیت عمومی رجال و نسوان همواره ملحوظ نظر بهائیان است .

نظریه بهائی درباره الوهیت بسیار ساده است . خدای واحدی وجود دارد که غیر قابل شناسایی است و در عین حال بر طبق نصوص قرآن از رگ گردن بانسان نزدیکتر است این خدا خدای ابراهیم و یعقوب و موسی و عیسی و همچنین محمد است . این خدا ابدی و قادر و رحیم و داناست و بنا بر اصطلاح مسیحیان برتر از همه و قائم بالذات است . بهائیان وقت خود را به مباحثه درباره مسائل متداول میان متالهمین صرف نمیکند . برای بهائیان خدا خورشیدی است که اشعه عشق و محبت بسوی موجودات میتابد و در عین حال میخواهد که اینان نیز با عشق و رزقند . مظاهر الهیه وسیله ارتباط حق و خلقتند . مسیحیان بدون شک ناراحت میشوند از اینکه بهائیان برای اصطلاحاتی از قبیل اب و ابن و معراج مفاهیم روحانی قائلند نه جسمانی . بهائیان به معجزات و خوارق عادات توجهی ندارند و وقت خویش را صرف بحث و مناظره درباره این قبیل مسائل متداول در متافیزیک نمیکند . بهائیان بتوافق علم و دین اعتقاد دارند و بنا بر نصوص بهائی علم و دین بمنزله دو بالند برای پیشرفت و ترقی نوع بشر بایک بال نمیتوان بخوبی پرواز کرد . در دیانت بهائی سنن خرافی وجود ندارد . بهائیان تمام آثار و کتب آسمانی را مطالعه کرده و با نظر احترام مینگردند و معتقدند که بسیاری از مطالب

وشارات مندرج در این کتب دارای معانی مشابه هستند و نباید صرفاً ظاهر عبارات نگریست
 تعداد بهائیان در ایران و هندوستان و ممالک متحده آمریکا و مکزیک و استرالیا
 در اغلب ممالک اروپائی مانند انگلستان و فرانسه و سوئیس و آلمان و ممالک آفریقای
 آسیائی و امریکای جنوبی نیز مستقر شده اند ولی تعداد آنها در این ممالک کمتر است .

(تبصره - خارج از متن مقاله اصلی که مترجم برای مزید اطلاع اضافه میکند : این آمار در تاریخ
 ۲۹ فوریه ۱۹۷۶ از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم منتشر شده است :
 تعداد ممالک واقالیعی که بهائیان در آن ساکنند ۳۳۵
 تعداد محافل روحانیه طویه ۱۱۸
 تعداد محافل روحانی محلی ۱۷۰۰۰
 تعداد مراکز امریه ۷۳۰۰۰
 تعداد زبانهاییکه آثار بهائی بآن ترجمه شده ۵۸۹
 تعداد مدارس تابستانه و موسسات تبلیغی ۱۲۴
 قبائل و اقلیتهائی که امریهائی بیشان رسوخ کرده ۱۶۰۷

بهائیان مانند سایر مذاهب کشیش و ملا و سایر مراجع تقلید ندارند . در هر
 ناحیه یا منطقه ایکه بهائیان در آن ساکن هستند یک محفل روحانی که دارای ۹ عضو است
 انتخاب میکنند . این محفل هر سال یکبار تجدید میشود . نمایندگان جوامع محلی اعضای
 محفل روحانی ملی را انتخاب میکنند و اعضای محافل ملی ممالک مختلف اعضای بیت العدل
 اعظم را انتخاب میکنند . بیت العدل اعظم مرجع کلی بهائیان عالم و ستون اصلی هر
 تشکیلاتی امریهائی است . مقرران در شهر حیفاد راضی مقدسه است .

جریان کار بطوریکه ملاحظه میشود کاملاً دموکراتیک است با این تفاوت که در
 انتخابات بهائی جارجنجالهای متداوله حزبی و پروپاگاندا و رقابت و کاندید شدن
 وجود ندارد . انتخاب کنندگان پس از دعا و مناجات و توجه بخدا هر کسی را که خود برای سمت
 مورد نظر لایق میدانند انتخاب میکنند . انتخاب کاملاً سری و آزاد است و همگان قلباً و عملاً نتیجه
 اکثریت را پذیرا هستند .

بهائیان مسجد و کلیسا برای انجام مراسم مذهبی بنحوی که نزد مسیحیان
 و مسلمانان متداول است ندارند . هر بهائی باید سه بار در روز بدرگاه خدا نماز گذارد ولی
 در واقع باید تمام زندگی او مظهر دعا و مناجات بدرگاه باری تعالی باشد . بهائیان دارای
 معابدی هستند بنام مشرق الانکار و هم اکنون تعدادی در نقاط مختلف جهان بازپاشی
 خاصی ساخته شده است . مشرق الانکار در واقع مرکزی است برای تابش انوار و تجمع قوای
 روحانی و ضمنا وسیله ای است برای نشان دادن موجودیت بهائی در هر شهر و یار . در این
 مکان همه میتوانند داخل شوند (بهائی و غیر بهائی) و دعا و مناجات پردازند . مناجات
 در نهایت آرامش و سکوت و توجه بخدا انجام میگردد . صدای ارگ و وعظ و خطابه بطریقیکه در
 کلیساها بگوش میرسد وجود ندارد . تا سال ۱۹۷۵ در نقاط زیر مشرق الانکار ساخته شده

ازدواج شرایط خاصی باید ملحوظ گردد که اهم آن رسیدن بسن بلوغ شرعی و رضایت عروس و داماد و پدران و مادران عروس و داماد است یعنی در واقع شش نفر باید بازواج رضایت دهند مگر آنکه ازوالدین مذکور افرادی در قید حیات نباشند . عقد باید در حضور شهود صورت گیرد صیغه عقد را یکی از حضار میخواند عروس و داماد وعده ای از حضار آنرا اضا میکنند . عقد نامه در دفتر ازدواج محفل روحانی ثبت میرسد و نسخه ای از آن برای ثبت در دفاتر رسمی ارسال میگردد .

بہائیان در هر سال يك ماه بهائی یعنی نوزده روز روزه میگیرند . طبق معمول در موقع روزه در فاصله طلوع تا غروب آفتاب از خوردن و آشامیدن خودداری مینمایند . روز اول ماه پس از خاتمه روزه ربهائیان عید گرفته و شادگامی و جشن برگزار میکنند . وظیفه من نیست که يك بیلان اخلاقی برای دیانت بهائی تنظیم کنم ولی مایلم بیلانی پیشنهاد کنم که در ستون سود آن نکاتی درج شود که بزعم من جالب اشخاص بسوی بهائیت است و در ستون زیان آن نکاتی از این فرمول مذهبی که مانع توجه مردم ببهائیت است درج شود و معتقدم که نکات مذکور در این بیلان در پیشرفت و توسعه جهانی یافتن امر بهائیتی تاثیر بسزائی دارند .

نکاتی را که در ستون زیان درج میکنم :

۱- قبول آداب و رسوم خیلی ساده بهائی برای افرادی مانند کاتولیکهای رومی و تابعین پاره دیگر از مذاهب که مجری آداب و سنن خیلی پیچیده ای هستند و با این روشها خو گرفته اند دشوار است . پاره ای گلايه دارند که در دیانت بهائی عاقبت انسان پس از مرگ خیلی سهم بیان شده و تنها بد کربقای روح و ما جور بودن نیکوکاران کفایت شده و تفصیل دیگری داده نشده . ظاهراً اصول بهائی رستاخیز جسمانی را رد میکند .

۲- از دیگر اصول بهائی که قبولش برای پاره ای متفکرین مشکل است موضوع وحدت ادیان و تشابه تعالیم فرستادگان خداست . این اشخاص چون تعالیم پیمبرانی مانند مسیح و محمد و بودا را مقایسه میکنند تفاوتهای فاحشی مشاهده میکنند . مسیح از تابعانش میخواهد که اگر کسی بیکطرف صورت اوسیلی زد طرف دیگر صورت رابسوی او بگرداند . محمد امر بجهاد میکند . مسیح ظاهراً ازدواج نکرده و محمد چند زن داشته . بودا توصیه میکرد که از زنان احتراز کنید و آنها را موجوداتی دنی میدانسته است . مسیح رستاخیز و حیات دائم را تبلیغ میکند در حالیکه در مذهب هند و از حلول ارواح در ابدان موجودات مختلف سخن بمیان آمده و بودائیان معتقدند که زندگی يك بدبختی عظیم است و خاموشی آن در " نیروانا " (حالت خلسه و بیخبری) رجحان دارد . اعتقاد بهائیان در اثره تساوی مقام پیمبران مختلف نیز ممکن است برای پاره ای ناگوار باشد چه آنان (شاید بحق) معتقدند که میان پیمبران از نظر اهمیت تعالیم و ایمان فداکاری ایشان تفاوتهای بینی وجود دارد . اینان میگویند اگر تمام پیمبران آمده اند که يك چیز را بیان کنند دیگر چه لزومی دارد به بهاء اللہ بگرویم چه او همان مطالبی را تکرار میکند که عیسی یا محمد و یا موسی گفته اند . چگونه میتوان بدون قید و شرط مقام پیمبری

و فرستاده خدا را برای او قبول کرد . البته زندگی بهاء الله سرشار از عظمت و لیاقت و نیکویی و جرات بوده ولی آیا اینها دلایل کافی هستند . پاره ای میگویند معجزه های او کدامند ولی بعقیده من نمودن خوارق عادات خود دلیلی بنفع بهاء الله است .

۳- مورخین ممکن است درباره ارتباط واقعی میان شریعتهای باب و بهاء الله پرسش کنند باب و بهاء الله یکدیگر را ملاقات نکرده اند و غیر ممکن نیست پاره ای تصور کنند که اقدام بهاء الله استفاده ناحق از مذهب بابی بوده است .

۴- از طرف دیگر تقویم بهائی نه تنها یک وسیله وحدت نیست بلکه بدون آنکه لازم باشد بسیار مشکلات میافزاید . مطالعه و درک آثار بهائی بویژه نوشته های بهاء الله که پرورش انشا مشرق زمین بر از ایما و اشاره و تشبیهات و امثال و اشارات از قبیل بلبل معنوی و نسائم روحانی . . . است برای مغرب زمینی ها مشکل است یهودیان و مسیحیان بدون شك نوشته های انجیلی را ترجیح میدهند . بالاخره در اینکه امر بهائی بتواند مقام يك آئین جهانی را احراز کند برای پاره ای شك و تردید وجود دارد . آیات عدد معدودی بهائی و مشتی مبلغین قادر هستند يك اکثریت جهانی و یا اقلاً يك اقلیت قوی تشکیل دهند که بتواند سهم موثری در ایجاد يك تمدن عالی ایفا کند ؟

این بود بیان نکات و افکاری که مردم را از قبول دیانت بهائی باز میدارد . اما صفحه مقابل بیان یعنی نکات جالب مردم بسوی بهائیت از جمله عبارتند از :

۱- وحدت نوع انسان هدفی بسیار عالی و مهیج است این هدفی است که شور و شوق جوانان را تحریک میکند . وحدت دینی و روحانی مردم نیز فکری است عالی و پرتحرک که بسیاری مردم از آن استقبال میکنند . فکر دیانتی میرا از خرافات بدون کشیش و ملا بدون سنن خشک و تو خالی و فاقد مراسم متداول در مسجد و کلیسا و کنیسه بسیار جالب توجه است .

دیانت بهائی افکار کواکرها **Quakers** را که آنها نیز نورانیت باطنی و مدارا و اخوت مردم را تبلیغ میکنند تأیید میکند . دیانت بهائی با وجودیکه مناسب مذهب متداول قدیم را کنار میگذارد مذهب است که بخدای زنده و واقعی و بقای روح و زندگی بمعنی واقعی آن اعتقاد دارد . بهائیت به زندگی معنی واقعی میدهد خرافات را دور میکند . بنا بر نوشته های بهاء الله نوع بشر خانواده واحد است . و افراد انسان قطرات يك بحرند و این آن چیز است که هر فرد انسان دوست و لولا مذهب باشد نمیتواند قلباً و وجداناً قبول نکند . احتمال دارد آئین جهانی بهائی روزی بر جهان مسلط گردد . از نقطه نظر انسانیت باید قبول کنیم که کره کوچک ما باید وجود چنین آئینی را بخود تبریک بگوید .

کنفرانس بین الہللی بھائی

ہنگ کنگ



۱۳۳ ۶-۸ شہر القبول

۲۵۳۵ ۶-۸ آذر ماہ

۱۹۷۶ ۲۷-۲۹ نوامبر

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی

نوامبر ۱۹۷۶

خطاب به دوستان مجتمع در کنفرانس بین‌المللی مکزیک

دوستان عزیز و محبوب

با مسرت و امتنان و با امید فراوان تحیات مشتاقانه خود را به پیروان حضرت بهاء‌الله که در این موقع حساس از نقشه پنجساله در کنفرانس ساحل شرقی آسیا مجتمع شده‌اند ابلاغ میدارم.

این قاره وسیع مهند تمدنیهای متمدنی بود. از آفاق آن هموس مظاهر الهیه طلوع نموده است و بر ارض آن باسلان این کور جدید خون خود را ریخته و جان در راه سعادت محبوب عالم و مظلوم امم فلان نموده‌اند.

چه افخاری ابدی به مردم آسیا عنایت گردید که اولین نفوس مستعد که بنور امر الهی منور گشته و ندای حق را لبیک گفته و به ترویج امرش قیام نموده‌اند. حضرت عبدالبهیه در الواح مقدسه فرامین تبلیغی استعداد روحانی و سهم عظیمی را که مقرر است آن نفوس در تشیید بنیان نظم جهانی حضرت بهاء‌الله ایفا نمایند تقدیر و تصدیق فرموده‌اند. این قاره عظیم قلب و مهند امراالله را در بردارد و شامل سرزمین‌های است که در آن مغرب‌سین امر اعظم تحمل زحمات و بلاها نموده‌اند. نه تنها اکثریت نفوس بشر بلکه اکثریت عظیم تابعان امر حضرت بهاء‌الله در این قاره ساکنند. امکانات چنانچه وضعیت مسافری را حقیق نتوان شمرد و قوای مکتوبه در قسمت اعظم چند البهسی را ناریده بتوان گرفت. است این قوای مکتوبه باید بحرکت آید تا بسط و توسعه امرالله را تسریع و لغزعات گذشته اش را تحکیم نماید و بر نفوذ و اعتبارش بپردازد. از یکایک حرکت کنندگان در این کنفرانس تا بعضی رجا داریم متوجه این امکانات عظیمه مکتوبه باشیم که اگر بنحوی مطلوب کشف و هدایت شود عسل روحانی ساختن ملل آسیا را تسریع خواهد نمود و تا مبرش از حدود آن قاره گذشته به تمام عالم سرایت خواهد کرد.

با نهایت اشتیاق انتظار داریم که در اثر این کنفرانس موجهی از فعالیت شدید ظاهر و در سطح فردی و مجلسی و ملی نقشه مافی که برای جلب توجه جماعات عظیمه در آن قاره به پیام جامع و حیات بخش حضرت بهاء‌الله طرح شد. کاملاً اجرا گردد. این نقشه ما باید برای هزاران نفوس که در سال‌های اخیر در ظل امر وارد شده‌اند مانند مؤمنین قدیمی که سالها در راه خدمت با امر مجاهد تنه نموده‌اند فرصت فعالیت فراهم نماید. هر چه

بیشتر مؤمنین جدید چه در امر تبلیغ و چه در خدمات اداری امر شرکت نمایند تحکیم و تقویت جامعه بهائی بهتر تحقق می یابد .

در قاره ای که باین قسم از مواهب و برکات الهی برخوردار است باید نسل های جدید بهائیان متولد گشته ^{از طغیبت} در دبستان محبت الله تربیت شوند و در ظل امر مبارک نشو و نما نمایند . بهائیان در هر کشور باید پیوسته تشویق و ترغیب و عنداللزوم مساعدت و راهنمایی شوند تا ایمان خویش را بامر مبارک چون میراثی گرانبها باطفال خود انتقال دهند . نسل های جدید بهائیان در تحکیم اساس امرالله سهمی حیاتی ایفا خواهند نمود .

تا سیس محافل روحانیه محلیه که واحدهای اصلی تشکیلات نظم جهانی بهاء الله و کانون اتحاد افراد بهائی در هر جامعه میباشند باید بموجب اهداف نقشه پنجساله بهر قیمت که تمام شود و هر قدر سعی و کوشش ایجاب نماید رو بتزاید باشد . تقویت محافل روحانیه محلیه طی نقشه پنجساله مستلزم مشورت بین جمیع مؤسسات امریه می باشد .

طبع و نشر آثار که قسمتی از مجاهدات یاران را برای جلب هزاران هزار نفوس از ملل مختلفه در جمیع طبقات جامعه تشکیل میدهد باید با جدیت تمام دنبال گردد . شرکت جمیع احبا در تقدیم تبرعات بصندوق های امری که بمنزله خون در حیات جامعه است باید بقدر کافی مورد توجه قرار گیرد و بکمال حکمت و محبت باید توضیح داده شود که تبرعات یاران که بصرافت طبع و با طوع و رغبت برای مصارف امریه تقدیم میگردد هر قدر مبلغ آن ناچیز باشد جالب خیر و برکتی عظیم است امید چنانست که این کنفرانس منشاء قوت و قدرتی برای حامیان اسم اعظم گردد تا در بحبوحه محن و بلا یا که عالم را فرا گرفتند و در برابر عوامل مختلف که به مقاومت و ضدیت امرالله برخاسته اند مؤمنین از راه راست منحرف نگردند و با عزمی راسخ تر و تصمیمی قویتر حصن حصین امرالله را که تنها ملجاء و پناه بشریت گمراه است مرتفع سازند .

بیت العدل اعظم

vigorous activity devoted to the execution on the individual, local and national levels, of systematic plans designed to attract the great masses of that continent to the life-giving, all-embracing Message of Bahá'u'lláh. Such plans must provide opportunities for those thousands who in recent years have swelled the rank and file, as well as for those veterans who have, for so many years, striven in the path of service to the Cause. It is through active participation of more and more new believers in both teaching and administration that the consolidation of the Bahá'í community can best be achieved.

In a continent so richly endowed, so greatly blessed, new generations of Baha'is must continually be raised up, trained from childhood in the school of the love of God, and nurtured under the shadow of His Cause. Bahá'is in every country must be constantly urged and, wherever necessary, assisted to pass on to their children as their most cherished legacy, the precious Faith they themselves have embraced. Those new generations of Bahá'is will have a vital rôle in consolidating the Cause of God on a firm foundation.

The establishment of Local Assemblies as the basic administrative unit of the World Order of Bahá'u'lláh and as rallying points for the Bahá'is of every community should, in accordance with the objectives of the Five Year Plan, be multiplied no matter at what cost of effort and endurance. The process of invigorating the Local Assemblies requires, during the Five Year Plan, the consultation of all the institutions of the Cause.

Publication of literature in many languages as part of a determined campaign to win thousands upon thousands of diverse peoples in all spheres of life must be vigorously pursued. Participation of all believers in supporting the Bahá'í Funds, the life-blood of the Cause, must be given adequate attention, and the blessings which reward the act of voluntary giving for the promotion of the Faith, no matter how small the amount may be, must be lovingly and wisely explained.

May this Conference become a landmark in the process of attracting vast numbers of the great Chinese race scattered throughout the world. May it be a prelude to the unprecedented expansion of the Faith in all the countries of Asia. May it become a source of strength to the supporters of the Most Great Name so that despite the rising tide of trials and upheavals afflicting the world, and whatever forces of opposition may be mounted against the Cause of God itself, the believers will not waver or become diverted from their course, but be ever more confirmed in their determination to raise the edifice of the Faith of God as the last bastion of hope to a lost and wayward humanity.

The Universal Home of Justice

**THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHÁ'Í WORLD CENTRE**

November 1976

To the Friends assembled at the International Teaching Conference in Hong Kong

Dearly-loved Friends,

With grateful and joyous hearts we extend our warmest greetings and express our highest hopes to the followers of Bahá'u'lláh gathered, at this critical point of the Five Year Plan, in this Conference on Asia's eastern shore. This great continent has nourished mighty civilizations; above its horizons the suns of major Revelations of God have risen; on its soil many of the heroes of this New Age have shed their blood and offered their lives in token of their love for Him Who is the Beloved of the World and the Desire of the Nations.

What an imperishable glory has been bestowed upon the people of Asia, the first to be illumined by the rays of God's Faith, the first recipients of His Call and the first promoters of His Cause. Their spiritual capacity is extolled and the great rôle they are destined to play in the strengthening of the foundation of the New World Order of Bahá'u'lláh unhesitatingly affirmed by 'Abdu'l-Bahá in His Tablets of the Divine Plan.

This great continent contains within its boundaries the heart of the Faith and its Cradle, the lands wherein its Founders toiled and suffered, and not only the great majority of the human race but the great majority of the followers of Bahá'u'lláh. The potentiality of such a situation cannot be underestimated, nor must the great force latent within so large a proportion of the Army of Light be neglected. They must be mobilized to accelerate the expansion of the beloved Cause, to consolidate its victories, to enhance its prestige and to augment its influence. We appeal to every participant in this historic Conference to become conscious of these tremendous but hidden potentialities which, if properly tapped and directed, can hasten the process of the spiritualization of the nations of Asia, the influence of which will extend far beyond the confines of that continent—even to the entire planet.

We eagerly await news that from this Conference will surge throughout Asia a wave of

کنفرانس هنگ کنگ

هوشنگ محمدی

اسهلی مانع دفن آن جسد مطهر گردیدند به بخدا رفتند آنجا نیز ممانعت از دفن جسد کردند تا آنجا در گوشه ای از طابق کسری بخاک سپردند، وقتی این داستان بسمع مبارک حضرت عبداله‌ها میرسد میفرمایند از برکت این جسد مطهر آن نقطه روزی شهر بزرگی خواهد شد. بر اثر این اتفاق سیه جناب میرزا محمد علی امروز چهار هزار نفر بهائی چینی وجود دارند از برکت وجود اوست که امروز صد ها هزار بهائوسی در ممالک شرق آسیا مسئولیت امرالله را بدوش خود حمل میکنند.

وقتی چشم به جمعیت چند صد نفری حاضر در کنفرانس افتاد بخود گفتم سجن انتن اعظم طهران کجا واپس کنفرانس چند صد نفری در طبقه بیست و هفتم هتل پلازاد هنگ کنگ کجا، سجن اعظم کجا و این وجوه نورانی از نژادها و ملل مختلف کجا، عدوان اهل بغضها کجا و نفوس مقدس محب عالم انسانی کجا

ششمین از هشت کنفرانس پیش بینی شده در نقشه منبعه پنجاه بیت العدل اعظم آلهی در هنگ کنگ در خاک چین در کشور کوچکی با چهار میلیون و نیم جمعیت در کشوری بمساحت حدود هزار کیلومتر مربع، در روزهای ۲۷ تا ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ تشکیل شد.

یکصد سال قبل پسر دانی حضرت رب اعلی بآن صفحات مسافرت کرد و نور امر آلهی را در آن سرزمینهای دور منتشر نمود نامش میرزا محمد علی بود، او اولین کسی بود که بچین رفت. در سالهای ۱۸۲۶- درست یکصد سال قبل جمال مبارک را در وپارز بارت کرد، او همسین حضرت اعلی بود، در کلکته با جمال افندی که اونیز برای تبلیغ بگهند رفته بود ملاقات کرد، سید مصطفی رومی را تبلیغ کرد که این مرد بزرگوار بعد ها ابادی امرالله گردید.

جناب میرزا محمد علی وقتی صعود کرد جسدش راه کربلا بردند ولی اعدا امر